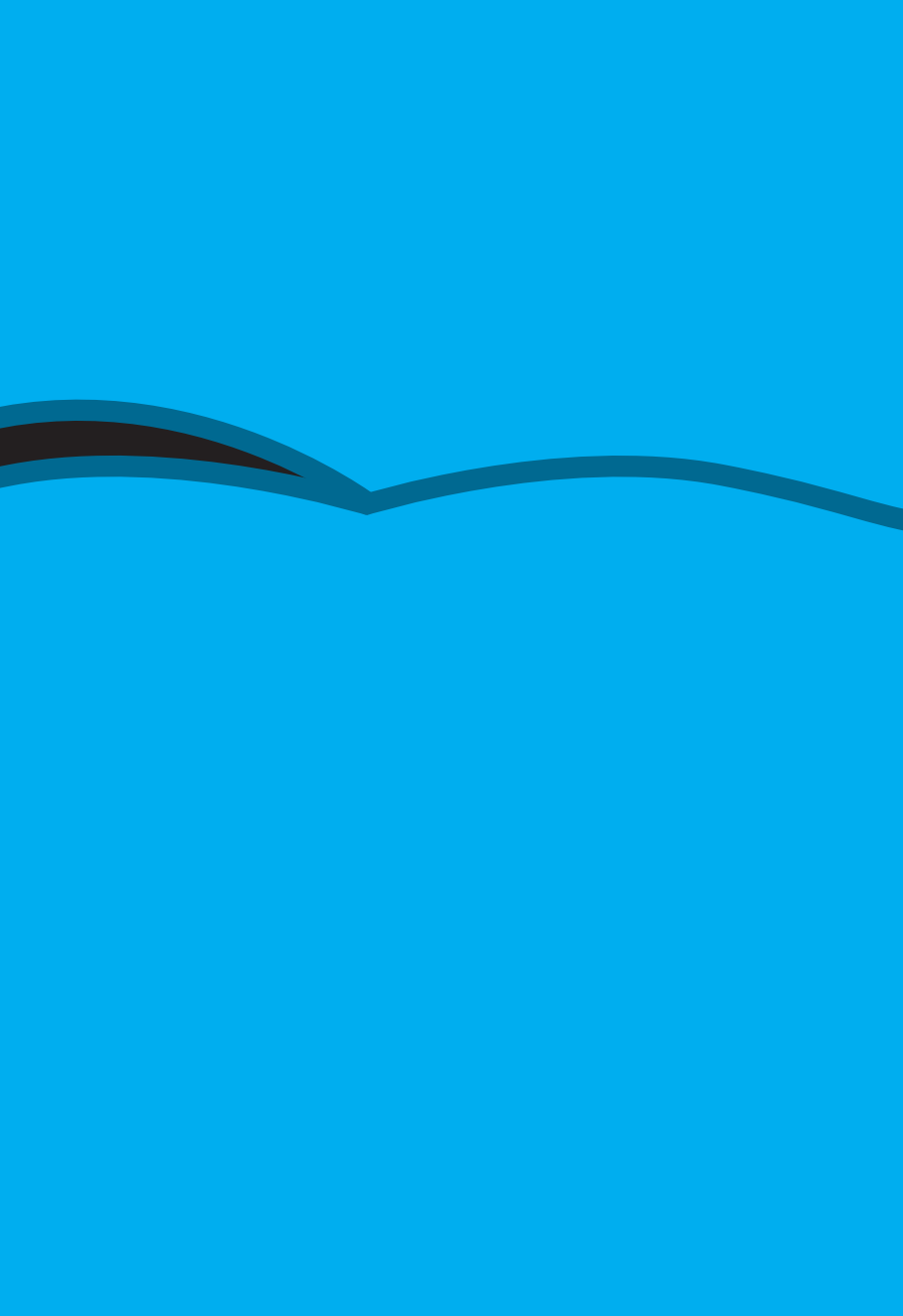


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# خائن کیست؟

حوزه‌های خیانت  
در رفتارهای اجتماعی، سیاسی  
و مسؤولیتی قشرهای مختلف



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

گردآوری، تدوین و نشر:

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

نوبت چاپ اول / سال: ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸ و ۶۶۴۱۱۱۵۱

نمبر ۶۶۴۶۷۳۹۴

[www.ghadr110.ir](http://www.ghadr110.ir)

[info@ghadr110.ir](mailto:info@ghadr110.ir)



## فهرست

۵

- مختصری در مورد اصطلاح خیانت و اهم آنها ..... ۱۱
- علما و روحانیون** ..... ۱۹
- مراقبت روحانیت از خود برای شکسته نشدن اسلام ..... ۱۹
- امانت بزرگ جمهوری اسلامی با انحراف در روحانیت صدمه می بیند و این خیانت به اسلام است ..... ۲۰
- سستی در تحصیل و تقویت فقاقت، خیانت بزرگی به اسلام است ..... ۲۱
- روحانیت اصیل و عدم خیانت آنان به اسلام ..... ۲۳
- فراموش نکردن خیانت لیبرالها و ملی مذهبی ها ..... ۲۵
- خلاف اسلام و مصالح جمهوری اسلامی عمل کردن، خیانت به امانت اسلام است ..... ۲۷
- کوتاهی در حفظ امانت، اسلام خیانت است ..... ۲۸
- سست و مردد کردن مردم نسبت به نظام اسلامی، خیانت به قرآن و اسلام است ..... ۲۹
- وهابیت، خیانت به اسلام است ..... ۳۰
- شکستن وحدت شیعه و سنی، خیانت است ..... ۳۳

- روشنفکران و نخبگان ..... ۳۵
- گرفتن امتناع و «نه» مردم در مقابل سلطه‌گران، خیانت است..... ۳۵
- بی‌توجهی به فرهنگ آزادی و استفاده غلط از آن، خیانت است... ۳۵
- تضعیف ملت و خدمتگزاران ملت، خیانت است..... ۳۷
- قلمها و زبانها در ضدیت احکام اسلام نوشتن، خیانت است..... ۳۸
- اسلام منهای روحانیت، خیانت است ..... ۳۹
- تجدیدنظر طلبیهای سیاسی و مصلحتی در اثر تطمیع دشمنان،  
خیانت است ..... ۴۰
- القاء این که اسلام قابل اجرا نیست و اسلام منهای روحانیت، خیانت  
است ..... ۴۲
- دین را در خدمت دنیای مستکبران و گردنکشان قرار دادن، خیانت  
است ..... ۴۵
- عدول از ارزشهای اسلامی و انقلابی تحت عنوان عقل‌گرایی، خیانت  
است ..... ۴۷
- طرح موضوعات مورد نظر آمریکائیه‌ها و صهیونیستها، خیانت  
است ..... ۴۹
- نفی دستاوردهای انقلاب، خیانت است ..... ۵۱
- مسلط کردن آمریکا بر کشور ولو تحت عنوان آزادیخواهی، خیانت  
است ..... ۵۳
- آموزش و پرورش و دانشگاهها** ..... ۵۵
- مسامحه و سهل‌انگاری در تعلیم و تربیت، خیانت به اسلام و جمهوری  
اسلامی است ..... ۵۵
- تربیت ناصحیح بچه‌ها در آموزش و پرورش، خیانت به انسان و اسلام  
است ..... ۵۵

- تربیت غیر انسانی و اسلامی فرزندان در مدارس، خیانت به امانت  
 است..... ۵۷
- اختلاف و تفرقه تحت هر عنوان، خیانت به اسلام است ..... ۵۸
- مسئولین و مدیران نظام جمهوری اسلامی..... ۶۰**
- تجربه کار سیاسی روی جوانان و قرار دادن کار فرهنگی در خدمت  
 سیاستهای جناحی، خیانت است..... ۶۰
- استفاده ابزاری از جوانان در مقاصد سیاسی، خیانت است..... ۶۱
- هر حرکتی در تضعیف نظام جمهوری اسلامی، خیانت است ..... ۶۲
- شایعه پراکنی، تهمت زنی و درگیریهای دروغین در انتخابات، خیانت  
 است..... ۶۳
- استفاده از مسؤولیت و مدیریت در جهت منافع شخصی، خیانت است  
 و لعنت خدا بر او باد تا قیامت..... ۶۴
- مسائل اصلی کشور را تحت الشعاع مسائل حاشیه‌ای کردن، خیانت  
 است..... ۶۵
- سرپیچی از وظیفه اصلی و سرگرم شدن به کارهای دیگر، خیانت است  
 ..... ۶۶
- ارتباط و مذاکره با آمریکا، خیانت است..... ۶۸
- مثل مأموران آمریکایی حرف زدن، خیانت است ..... ۶۹
- از دست دادن روحیه ایستادگی و تشویق مردم به خروج از آن، خیانت  
 است..... ۶۹
- متهم کردن نظام اسلامی به نیابت از دشمنان، خیانت واضح  
 است..... ۷۱
- عدم مقاومت در برابر فشارها، خیانت است ..... ۷۱
- گرفتن تسهیلات و استفاده از آن در جای دیگر، خیانت است ..... ۷۳

- دعوت به کم‌کاری و اعتصاب، خیانت به کشور و جمهوری اسلامی است ..... ۷۴
- ممانعت از تولید و سازندگی و پیشرفت علمی، خیانت است ..... ۷۵
- سازش با شرق و غرب و خودباختگی، خیانت به اسلام و مسلمین است ..... ۷۶
- تخریب دولت، خیانت است ..... ۷۷
- مصالحه کردن حج با سیاستهای جهانی، خیانت به حج است ..... ۷۷
- سازش با صهیونیسم، خیانت است ..... ۷۹
- تسامح در پیش‌برد انقلاب فرهنگی در دانشگاهها، خیانت عظیم است ..... ۷۹
- مطبوعات و صدا و سیما (رسانه‌ها) ..... ۸۰**
- تیره و تار نشان دادن فضاکشور بطور عمد، خیانت است ..... ۸۰
- عادی‌سازی فضای بین آمریکا و ایران، خیانت به مردم است ..... ۸۱
- انعکاس آنچه دشمن می‌خواهد توسط مطبوعات و رسانه‌ها، خیانت است ..... ۸۲
- تبدیل ایستادگی در مقابل آمریکا به نرمش در مقابل او، خیانت است ..... ۸۴
- ناامید کردن مردم از ادامه راه، خیانت است ..... ۸۶
- مغشوش کردن ذهن و امنیت مردم و ایجاد اختلاف بین آنها، خیانت است ..... ۸۸
- ناامید کردن مردم به آینده کشور، خیانت است ..... ۹۱
- آزادی غیر محدود به اسلام، خیانت است ..... ۹۴
- ترویج موسیقی، خیانت است ..... ۹۷
- پخش مسائل انحرافی در رادیو و تلویزیون، خیانت است ..... ۹۸



عدم توجه به حساسیت زمان در انقلاب و تضعیف مسؤولان، خیانت

است..... ۹۹

تولید اثر هنری با محتوای ناکارآمدی دولت و نظام، خیانت

است..... ۱۰۱

جهتگیریهای جناحی و خطی در خبر و تحلیل، خیانت است... ۱۰۳

کم‌رنگ کردن و از یادها بردن دفاع مقدس، اگر دانسته باشد، خیانت

است..... ۱۰۵

کوچک کردن نام شهدا و حرکت عظیم شهادت، خیانت است... ۱۰۶

جدا کردن و به فراموشی سپردن گذشته پر افتخار ملت، خیانت

است..... ۱۰۷

۹

نیروهای مسلح..... ۱۰۸

عدم هماهنگی و دسته دسته بودن در نیروهای مسلح، خیانت

است..... ۱۰۸

حیطه مسؤولیت امانت است و کوتاهی در آن خیانت است..... ۱۰۹

احزاب، گروهها، سیاسیون و شخصیتها..... ۱۱۰

هر حرکت و گفتار متزلزل کننده روح اتحاد مردم به قوا و کارگزاران،

حرام شرعی و خیانت ملی است..... ۱۱۰

حمله و متهم کردن مسؤولان و جدا کردن مردم از آنها، خیانت

است..... ۱۱۱

ایجاد اختلاف بین مردم و مسؤولان، خیانت است..... ۱۱۲

پاشیدن بذر تردید نسبت به مسؤولان و یأس آور نشان دادن افق،

خیانت است..... ۱۱۳

برانگیختن اختلاف میان مسلمانان و اهانت به مقدسات و تکفیر

مذاهب، خیانت است..... ۱۱۴

این حرف اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است!..... ۱۱۵





## مختصری در مورد اصطلاح خیانت و اهم آنها

۱۱

راغب در مفردات می‌گوید: خیانت و نفاق به یک معنا است، آلا این‌که خیانت گفته می‌شود به اعتبار عهد و امانت و نفاق گفته می‌شود به اعتبار دین و لکن در استعمال، هر دو لفظ در هر دو معنا استعمال می‌شود. پس خیانت به معنای مخالفت نهانی با حقی از حقایق و شکستن پیمان آن است، مثلاً گفته می‌شود: «خفت فلاناً» یعنی عهد فلانی را شکستم. «خفت امانه فلان»، امانت فلانی را خیانت کردم، یعنی پیمانی را که با او داشتم در خفا نقض کردم و به همین معنا است آیه شریفه: «**لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم**».<sup>(۱)</sup> قاموس قرآن در ذیل معنای خون می‌نویسد: خیانت مقابل امانت است و اصل آن چنان‌که در مجمع ذیل آیه ۱۸۶ بقره گفته به معنی

---

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۸۶، ذیل تفسیر آیه ۲۷ سوره انفال.

حق است.<sup>(۱)</sup>

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۷ سوره انفال «یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون»، خیانت اول و خیانت دوم ذکر شده در آیه را به یک نوع خیانت تفسیر می‌کند و می‌فرماید: «مجموع دو جمله «و لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم» یک نهی واحدی می‌شود که به یک نوع خیانت تعلق گرفته، و آن خیانت امانت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، که خود بعینه خیانت به امانت خود مؤمنین هم هست، چون بعضی از امانتها منحصرأ امانت خداست در نزد مردم؛ مانند احکام مشروعه خدا و بعضی از آنها منحصرأ امانت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، مانند سیره حسنۀ آن جناب، و بعضی از آنها امانت خود مردم در میانۀ خودشان است مانند اماناتی که در اموال و اسرار به یکدیگر می‌سپارند، و بعضی از امانتها آن امانتی است که خدا و رسول و خود مؤمنین در آن شریکند، و آن عبارتست از اموری که خداوند به آنها امر می‌کند و رسول خدا امر آن جناب را اجراء می‌نماید و مردم از آن منتفع گشته و مجتمعاتشان نیرومند می‌گردد، مانند دستورات سیاسی و اوامر مربوط به جهاد و اسرار جنگی که اگر افشاء شود آرزوهای دینی عقیم گشته و مساعی حکومت اسلامی بی نتیجه مانده

۱۲

و قهراً حق خدا و رسول هم پایمال می‌شود و ضررش دامنگیر خود  
مؤمنین هم می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

علامه طباطبایی در بحث روایی ذیل آیه فوق نیز به دو داستان،  
یکی در مورد افشای حضرت رسول خدا به سوی ابوسفیان برای  
بستن راه بر او و یکی افشای خواست رسول خدا در مورد یهودیان  
محاصره شده بی قریظه از طرف ابی لبابة بن عبدالمنذر انصاری را  
نقل می‌کند که در هر دو داستان بحث افشای اسراری که موجب زیان  
به مؤمنین و تجرّی و تقویت دشمنان اسلام شد در میان است.<sup>(۲)</sup>

۱۳

بنابراین اگرچه خیانت یک اصل غیر اخلاقی و حفظ امانات یک  
بنیاد اخلاقی است، لکن خیانت در معنای فوق که ضربه و خسارت بر  
جامعه اسلامی و سبب سستی و ضعف مجتمع مؤمنین و از بین رفتن  
مساعی حکومت اسلامی می‌شود، بسیار مهمتر و مورد تأکید خداوند  
در قرآن کریم است.

خیانت‌هایی که امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای مدظله در  
بیاناتشان نسبت به قشرهای مختلف مطرح فرموده‌اند، عمدتاً این  
نوع خیانت را مدّ نظر دارد. خیانت‌هایی که دشمنان اسلام را تقویت و  
به اسرار جامعه اسلامی آگاه می‌نماید. خیانت‌هایی که صفوف بهم

---

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۸۷.

۲- همان، صص ۱۰۰-۱۰۲.

فشرده مؤمنان را متزلزل و ایجاد اختلاف می‌نماید. خیانت‌هایی که امید را در دل مؤمنان کم‌رنگ کرده و ناامیدی به آینده را رقم می‌زند. خیانت‌هایی که مبانی اعتقادی، باورها و اصول نظام و مردم را سست کرده و دشمنان را بزرگ و دوست معرفی کرده و بزک می‌کنند.

در مجموعه‌ای که از بیانات دو رهبر نظام جمهوری اسلامی فراهم آمده است، خیانت‌هایی که از هر قشری می‌تواند حادث شود و در این حوزه تعریف شود یعنی خیانت به نظام اسلامی که حق خدا و رسول و تمامی مؤمنان و بلکه تمامی مسلمانان و مستضعفان عالم است، ارائه گردیده که بایستی با توجه به نهی خداوند از این نوع اعمال و عذاب دردناکی که به آن وعده می‌دهند، بسیار جدی گرفته شود.

جایگاه مرجعیت و اشراف به فقه و فقاہت از سوی دو رهبر، نیز بکارگیری این عبارت «خیانت» را که گاه با پسوند «شرعی» و گاه «ملّی» همراه می‌شود، بسیار بااهمیت و مهم می‌نماید، چرا که آنان به سادگی و از سر بی توجهی از این کلمات که بار شرعی دارد، استفاده نمی‌کنند. مطبوعات و رسانه‌ها، مسؤولان و مدیران نظام جمهوری اسلامی بویژه بخش اجرایی آن، روشنفکران و نخبگان و دانشگاهیان، بیشترین مخاطبان در بحث خیانت بوده‌اند، چرا که با ابزارها و اختیارات و سرمایه‌هایی که در اختیار آنها می‌باشد امکان انحراف و خیانت بیشتر فراهم است.

در مطبوعات، رسانه‌ها و صدا و سیما، عمده‌ترین  
خیانت‌هایی که ممکن است سر بزند، عبارتند از:

- تیره و تار نشان دادن فضای کشور و ناامید کردن مردم از ادامه  
راه و آینده کشور.

- عادی‌سازی فضای بین آمریکا و ایران و بزک کردن این دشمن  
مکّار و تبدیل ایستادگی در برابر او به نرمش در مقابل او.

- انعکاس آنچه دشمن می‌خواهد از این تریبون‌های عمومی.

- ایجاد اختلاف در میان مردم، بین مردم و مسؤولین.

- ناکارآمد نشان دادن نظام، بزرگ کردن مشکلات و نادیده گرفتن  
خدمات و پیشرفتها.

در حوزه مسؤولان و مدیران نظام، عمده‌ترین خیانتها در  
زمینه‌های زیر اتفاق می‌افتد:

- استفاده ابزاری از جوانان در مقاصد سیاسی و آلوده کردن  
محیطهای آموزشی و دانشگاهی به اغراض سیاسی.

- کوتاهی در انجام مسؤولیت و حفظ امانتی که مردم به آنها  
سپرده‌اند.

- شایعه‌پراکنی، تهمت‌زنی و درگیریهای دروغین در انتخاباتها.

- استفاده از مسؤولیت و اختیارات در جهت منافع شخصی و

جناحی.

- ایجاد مسائل حاشیه‌ای و تحت‌الشعاع قرار دادن مسائل اصلی کشور.

- ارتباط و مذاکره با آمریکا جز در مسأله‌ای که نظام مشخص می‌کند.

- از دست دادن روحیه ایستادگی در برابر دشمنان و تشویق مردم برای خروج از روحیه مقاومت.

- مخالفت از تولید و سازندگی و پیشرفت علمی کشور با هر شکل و بهانه‌ای.

- سازش و کوتاه آمدن در برابر رژیم صهیونیستی.

**در حوزه نخبگان و روشنفکران، غالب خیانتها در مسائل ذیل واقع می‌شود:**

- گرفتن روحیه امتناع و نه مردم در مقابل سلطه‌گران.

- بی‌توجهی به فرهنگ آزادی و استفاده غلط از آن.

- تضعیف ملت و خدمتگزاران به ملت و نفی دستاوردهای انقلاب

اسلامی.

- ضدیت با اسلام و روحانیت به عنوان منادیان و تبیین‌کنندگان

اسلام.

- تجدیدنظرطلبیهای مصلحتی سیاسی و ناشی از تطمیع

دشمنان.



- عدول از ارزشهای اسلامی و انقلابی تحت عنوان عقل‌گرایی و خردورزی.

برای پیشگیری و مقابله با خیانتها، که فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار داده و سبب روی کار آمدن آدمهای ناصالح و ناباب می‌شود، بایستی دقیقاً برخلاف آنچه سبب خیانت می‌شود حرکت نمود. تمامی دستگاهها و نهادهای نظام بایستی با انحرافات و کج‌رویها و تخلفات طبق قانون با سرعت و دقت برخورد کنند و از تسری آن جلوگیری نمایند. علما و روحانیون و دستگاههای امنیتی و رسانه‌ها بایستی در جهت ترویج فرهنگ اسلام ناب در جامعه و شناساسایی تحرکات برنامه‌ریزی شده دشمنان در تطیيع و ترغیب عناصر و گروههای نامعتقد به نظام و دارای ضعف نفسانی، اقدام نمایند. آحاد مردم می‌بایستی به وظیفه امر به معروف و هی از منکر در سطح عمومی جامعه و در برابر مسؤولین، عمل نمایند. وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری و جلوگیری از خیانتها بسیار مهم است. به یک هشدار و مطالبه رهبری در این زمینه اشاره می‌نماییم:

باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خودتان اقامه کنید، رواج بدهید و نسبت به آن پایبند باشید. اگر نکردید، خدا اشرار و فاسدها و وابسته‌ها را بر شما مسلط می‌کند؛ یعنی زمام امور سیاست‌کشور به مرور به دست امثال حجاج

بن یوسف خواهد افتاد! همان کوفه‌ای که امیرالمؤمنین در رأس آن قرار داشت و در آن جا امر و نهی می‌کرد و در مسجدش خطبه می‌خواند، به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر، به مرور به آن جایی رسید که حجاج بن یوسف ثقفی آمد و در همان مسجد ایستاد و خطبه خواند و به خیال خود مردم را موعظه کرد! حجاج چه کسی بود؟ حجاج کسی بود که خون یک انسان در نظر او، با خون یک گنجشک هیچ تفاوتی نداشت! به همان راحتی که یک حیوان و یک حشره را بکشند، حجاج یک انسان را می‌کشت. یک بار حجاج دستور داد و گفت همه! مردم کوفه باید بیایند و شهادت بدهند که کافر هستند و از کفر خودشان توبه کنند؛ هر کس بگوید نه، گردنش زده می‌شود! با ترک امر به معروف و نهی از منکر، مردم این‌گونه دچار ظلمهای عجیب و غریب و استثنايي و غیر قابل توصیف و تشریح شدند. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر نشود و در جامعه خلافتکاری، دزدی، تقلب و خیانت رایج گردد و بتدریج جزو فرهنگ جامعه بشود، زمینه برای روی کار آمدن آدمهای ناباب فراهم خواهد شد.<sup>(۱)</sup>

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت



## علماء و روحانیون

۱۹

مراقبت روحانیت از خود برای شکسته نشدن اسلام  
من به آقایان روحانیین هم کراراً گفته‌ام، حالا هم عرض می‌کنم  
که اولاً مسؤولیت شما زیاد است، مسؤولیت بزرگی به عهده شماست.  
این ملت که همه دارند می‌گویند نایب‌الامام و نایب پیغمبر اگر خدای  
نخواست از شما یک انحرافی ببینند؛ این روحانیت را می‌شکنند.  
روحانیت اگر شکسته بشود، اسلام شکسته شده است. روحانیت،  
اسلام را نگه داشته؛ اگر این شکسته بشود، اسلام شکسته می‌شود.  
اگر در این مقطع زمان به دست ما شکسته بشود، ما خیانت به اسلام و  
قرآن کردیم. خودتان را بپایید، متوجه باشید! اعمالتان را با اسلام  
تطبیق بدهید. اگر کسانی در بین شما خدای نخواست انحراف دارند،  
از صف خودتان خارج کنید.<sup>(۱)</sup>

## امانت بزرگ جمهوری اسلامی با انحراف در روحانیت صدمه می بیند و این خیانت به اسلام است

این اسلام امروز در دست همه ماها، سرتاسر کشورهای اسلامی و خصوصاً ایران که جمهوری اسلامی - انسانی را در این کشور اعلام کرده؛ امانت است؛ امانت بزرگ است.

این امانت به دست ماهاست چنانچه به این امانت خیانت بکنیم؛ خیانت به اسلام است - خیانت به احکام نورانی خداست؛ و خیانت به ملت‌های ضعیف است. توجه کنند روحانیون در سرتاسر کشور، چه جوانها که در میدانها می‌روند و فداکاری می‌کنند و چه آنهایی که در مدارس مشغول تحصیل علوم هستند و چه آنهایی که مشغول به تدریس هستند و چه آنهایی که ائمه جمعه و جماعات هستند و چه آنهایی که در دادگاهها و مقامات قضایی هستند و چه آنهایی که در کمیسیونها و جاهای دیگر هستند، توجه کنند که اسلام در دست شما طایفه بالخصوص امانت است. انحراف شما ولو بعضی از شما موجب می‌شود که اشخاصی که با شما و با اسلام دشمن هستند با قلمهای خودشان و گفتار خودشان به شما حمله کنند و یک مطلب را بزرگ کنند: مجاهدات شما یک کلمه از آن گفته نشود، لکن انحراف شما دائماً گفته بشود و به گوش مردم خوانده بشود؛ مردم را از مجاهدات شما اغفال کنند. از زحماتی که از ۱۵ خرداد تا کنون بر شما

وارد شده است و بزرگان شما را برده‌اند در حبسها و زجرها، و انجام دادند کارهایی را که با دزدان آن‌طور انجام نمی‌دهند، اینها را ذکر می‌کنیم از آنها ندیدم بکنند! قلمها راجع به این مسأله شکسته است! اما اگر در یک دادگاهی یک کاری بشود که مثلاً در نظر آنها انحراف باشد، یا خدای نخواستہ به حسب واقع انحراف باشد، عمال آنها دوره بیفتند و این طرف و آن طرف و تبلیغ کنند که دیکتاتوری آخوندی در کار است! دیکتاتور روحانی در کار است. این کلمه، کلمه‌ای است که دشمنهای اسلام درست کرده‌اند و می‌خواهند که روحانیون را کنار بگذارند و روحانی برود گوشه مسجد و مسائل اسلامی را، نه آنکه مربوط به جامعه است، نه آنکه مربوط به مشکلات جامعه و اسلام است، بلکه مسائل عبادی را فقط انجام بدهند؛ لکن دیگران در صحنه باشند و آن کنند به ما که محمدرضا کرد.<sup>(۱)</sup>

۲۱

## سستی در تحصیل و تقویت فقاہت، خیانت بزرگی به اسلام است

اما طبقه جوان باید مشغول باشند به تحصیل، و این حوزه‌های فقاہتی هرچه باید، هرچه بیشتر باید بشود و مراجع به اینها عنایت زیادتر بکنند و مدرّسین عنایات زیادتر راجع به اینها داشته باشند. و

---

۱- صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

حوزه فقهی به همان معنایی که تا کنون بوده است، حفظ کنید که اگر این حفظ نشود، فردا مردم دیگر شما را قبول نمی‌کنند. مردم معمم نمی‌خواهند، مردم عالم می‌خواهند. این منتها علامت علم است. اگر یک وقت - خدای نخواستہ - حوزه‌های علمیه ما سست شدند در تحصیل، سست شدند در این که فقاہت را تقویت بکنند، بدانند که این یک خیانت بزرگی به اسلام است. و اگر این فکر تقویت بشود که ما دیگر لازم نیست خیلی چه بکنیم و فقاہت تحصیل بکنیم، این یک فکر شیطنانی است؛ موافق آمال امثال امریکا در درازمدت. اگر شما حوزه‌های فقاہتی را؛ شما آقایان خراسان، آقایان قم، آقایان تبریز، سایر جاها، هر جا یک حوزه علمیه دارد، اگر تقویت نکنید اینها را به همان فقه که تا کنون بوده است؛ به همان فقه سنتی، اگر فقها تحویل جامعه ندهید، علما تحویل جامعه ندهید، مطمئن باشید که نمی‌گذرد یک نیم قرن، الّا این که از اسلام هیچ اسمی دیگر نباید باشد. اگر فقهای اسلام، از صدر اسلام تا حالا نبودند، الآن ما از اسلام هیچ نمی‌دانستیم. این فقها بودند که اسلام را به ما شناساندند و فقه اسلام را تدریس کردند و نوشتند و زحمت کشیدند و به ما تحویل دادند. و ما باید همین جهت را حفظ بکنیم. و یک تکلیف الهی - شرعی است به این که حوزه‌ها باید تقویت بشود. و البته در بین حوزه‌ها، اشخاصی هستند که آنها دخالت در امور اجتماعی و سیاسی

می‌کنند و باید هم بکنند. اما غفلت از این‌که ما دیگر به فقاہت کار نداشته باشیم، این غفلت اسباب این می‌شود که اسلام را - خدای نخواستہ - منسی کنید بعد از چند وقت. باید حوزه‌ها به قوت خودش [باقی بماند]، بلکه هر روز قوتش زیادتر [شود]. حالا مزاحمها دیگر رفته‌اند.

آنهایی که با عمامه شما کار داشتند حالا دیگر مدفون شده‌اند.

شما باید خودتان حفظ کنید اسلام را به حفظ فقاہت - اسلام همه‌اش توی این کتابهاست - با حفظ فقاہت، با حفظ این کتب، با نوشتن، با بحث کردن، با حوزه‌های علمی تشکیل دادن از همه علوم اسلامی، آن کتبی که منسی شده بود، آن کتب را باز به صحنه آوردن و بحث کردن و حفظ کردن این دژ محکمی که تاکنون اسلام را نگه داشته است. ما موظفیم که اسلام [را] به همان طوری که آمده است و به دست ما رسیده است، ما هم تحویل بدهیم به نسلهای آتیه ان شاء الله. آنها هم به نسلهای بعد و بعد، تا صاحبش بیاید و تسلیم او بکنند.<sup>(۱)</sup>

### روحانیت اصیل و عدم خیانت آنان به اسلام

علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف

---

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، صص ۲۱۹ و ۲۲۰.

اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبت‌ها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دین فروش زده‌اند و می‌زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی‌فرهنگها متنفر و گریزان بوده‌اند. من به صراحت می‌گویم ملی‌گراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختیها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند؛ و برای این‌که خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یکجا می‌شکستند و به همه میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادت‌های خود را نمی‌توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزاگیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن



در برابر کفر و شرک است. که اگر بندگان استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.<sup>(۱)</sup>

### فراموش نکردن خیانت لیبرالها و ملی مذهبی‌ها

من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر این که باید مواظب القائات روحانی نماها و مقدس مآبها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی نماها و به ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزیهای بیمورد و ساده اندیشیها سبب مراجعت آنان به پستهای کلیدی و سرنوشت ساز نظام شود.

من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعض تصمیمات اول انقلاب در سپردن پستها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گر چه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول

---

۱- صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۹۷ و ۹۸.

نمودم و الآن هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی امریکای جهانخوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروهها و لیبرالهامی‌خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر امریکا گفتید! چرا جنگ کردید! چرا نسبت به منافقین و ضدانقلابیون حکم خدا را جاری می‌کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم و صدها چرای دیگر. و نکته مهم در این رابطه این که نباید تحت تأثیر ترجمه‌های بیجا و بیمورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی زیر سؤال بروند.<sup>(۱)</sup>

## خلاف اسلام و مصالح جمهوری اسلامی عمل کردن، خیانت به امانت اسلام است

امروز که اسلام و جمهوری اسلامی در دست شما و ما و همه ملت ایران امانت است، اگر چنانچه خلاف بکنیم، خلاف مصالح جمهوری اسلامی بکنیم، خلاف مصالح اسلام بکنیم، به این امانت خیانت کردیم، و در پیشگاه مقدس حق تعالی مجرم و خائن هستیم. خیانت همه‌اش این نیست که منافقین می‌کنند، آنها هم یک قسمش است. خیانت آن نیست که صدام می‌کند، آن هم یک قسمش است. آنهایی که در داخل با اسم‌های مختلف ضربه می‌خواهند بزنند به اسلام و با اسم امور مختلفه‌ای به حکومت اسلامی می‌خواهند ضربه بزنند، اینها هم خیانت کردند. گاهی خیانت اینها راه را باز می‌کند برای این که آنهایی که مثل صدام و منافقین هستند راهشان باز بشود و خیانت بالاتر را بکنند. ما که می‌گوییم که مسلمان هستیم، شیعه علی بن ابی طالب هستیم، باید ببینیم که شیوه علی بن ابیطالب چی بود. همین علی بن ابیطالب که رسول خدا او را به جای خودش نصب کرد، بیست و چند سال برای مصالح اسلامی موافقت کرد با اشخاصی که به عقیده او غاصب مقام بودند، برای این که مصالح اسلام اقتضا می‌کرد. اگر حضرت آن وقت می‌خواست معارضه بکند، اسلام در خطر بود. مایی که می‌گوییم مسلمان هستیم، باید مصالح اسلام را در نظر

بگیریم، نه مصالح شخصی خودمان را. باید ببینیم که امروز ضربه زدن به مجلس شورای اسلامی، ضربه زدن به شورای نگهبان، ضربه زدن به رئیس جمهور، ضربه زدن به دولت اسلامی، این می‌سازد با شیعه بودن با علی بن ابیطالب؟ آن بیست و چند سال برای مصالح اسلامی موافقت کرد، بچه‌هایش را به جنگ فرستاد.<sup>(۱)</sup>

### کوتاهی در حفظ امانت، اسلام خیانت است

و مطلب دیگری که باز دنباله همین مسائل است، این است که روحانیون در هر جا که هستند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه کسان دیگری که مشغول شغل روحانی هستند، اسلام امروز به ملت ما و به شما که شاخص هستید و اولی هستید سپرده شده است. ما امروز همه پاسدار اسلام هستیم. تمام ملت از دولت‌ها گرفته و قوای نظمی و انتظامی گرفته و نظامی و انتظامی گرفته و تا همه قوای مسلحه، همه بازارها، همه اداره جات، تمام ملت، بی استثنا مسؤول هستیم در مقابل خدای تبارک و تعالی برای این امانت. این اسلام که امانت است و دست ماست، اگر ما به این امانت خدای نخواسته خیانت بکنیم، این یک گناهی است که معلوم نیست که آمرزیده بشود. فرق دارد با گناههای دیگری حتی با کبایر گناههای دیگر. برای این که

۱- صحیفه امام، ج ۱۹، صص ۶۶ و ۶۷.

بسیاری از گناهها هست که به خود انسان برمی‌گردد، به جامعه بر نمی‌گردد. لکن خیانت به این امانت، خیانت به اسلام و خیانت به ملت‌های مسلم است. باید توجه کنید که اگر اشخاصی در تمام این ارگان‌هایی که الآن بعد از انقلاب به وجود آمده، چه آنهایی که خودرو پیدا شده‌اند و خود ملت آنها را ایجاد کرده‌اند، و چه آنهایی که مثلاً مقامات ایجاد کرده‌اند، باید توجه به این معنا بکنید که اگر اینها یک قدم بردارند بر خلاف اسلام، بر خلاف مصالح مسلمین، مسؤول هستند. مسؤولیتی که بالاتر از آن مسؤولیتی است که انسان نسبت به کارهای خودش دارد. شخصی خودش دارد.<sup>(۱)</sup>

۲۹

## سست و مردّد کردن مردم نسبت به نظام اسلامی، خیانت به قرآن و اسلام است

امروز، انتزاعی که از کار ما خواهد شد و معنایی که هر حرکت و سکون ما خواهد داشت، یک چیز تعیین‌کننده است. اگر در گوشه و کنار، از معّمان کسانی پیدا بشوند که امتیاز عظیمی را که امروز نظام اسلامی به مسلمین و مؤمنین و روحانیون و علما داده است، درک نکنند و خدای نکرده در اظهاراتشان حرفی باشد که مردم را نسبت به این نظام، یا بدبین کند و یا مردّد نماید - اگر چه مردم با حرفهای

ختاسان متزلزل و مردّد نمی‌شوند، اما به هر حال در یک دایرهٔ محدودی تأثیر می‌گذارد - این افراد بلاشک عملشان، خیانت به اسلام و قرآن و مسلمین است و باید با برخورد خود جامعهٔ روحانیت، مواجه بشود. مساجد و حسینیه‌ها و مجالس عزاداری را بایستی خوب اداره کرد. باید از سوی خود علما و مسؤولان روحانی، نظمی برای این مراکز به وجود آید.<sup>(۱)</sup>

### وهابیت، خیانت به اسلام است

مردم را به دستهایی که امروز وحدت را می‌شکنند، توجه بدهید. با مردم هم صریح حرف بزنید. امروز، آن دستی که امریکا علیه وحدت تجهیز کرده، عبارت از همین دست پلید و هابیت است. این را صریح به مردم بیان کنید؛ پرده‌پوشی نکنید. از اول، وهابیت را برای ضربه زدن به وحدت اسلام و ایجاد پایگاهی - مثل اسرائیل - در بین جامعهٔ مسلمانها به وجود آوردند. همچنان که اسرائیل را برای این‌که پایگاهی علیه اسلام درست کنند، به وجود آوردند، حکومت و هابیت و این رؤسای نجد را به وجود آوردند تا داخل جامعهٔ اسلامی، مرکز امنی

---

۱- سخنرانی در دیدار با اعضای جامعهٔ روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمهٔ جماعت و جامعهٔ وعاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانهٔ ماه محرم، ۱۳۶۸/۵/۱۱.

داشته باشند که به خودشان وابسته باشد و میبینید هم که وابسته اند. الان این سلاطینی که در بقعة الاسلام وهابی هستند، از این که به وابستگی و رفاقت و طرفداری خودشان از سیاستهای دشمنان اسلام - یعنی امریکا - تصریح کنند، ابایی ندارند و آن را پوشیده نمیدارند. اگر کسی بگوید شما با امریکا مخالفید، بدشان می آید! اگر کسی بگوید شما با امریکا موافق و همدستید، بدشان نمی آید! این، درست یک میزان و ملاک و معیار است. شما باید مسلمان و حاکم اسلامی واقعی را هم از این جا بشناسید.

۳۱

آن که با دشمنان اسلام دشمن است، او در خط اسلام است و آن که با دشمنان اسلام دوست می باشد و مباحی به این دوستی است، او در خط کفر است. دوستی او به معنای همپیمانی و وابستگی و به معنای این که منافع او را در حد «اشدرعاية» رعایت کند، است. وقتی که در کشور و شهر او بگویند: «مرگ بر امریکا»، او بدش بیاید! یک وقت، مردم خودش می گویند: «مرگ بر امریکا»، که ممکن است امریکاییها بگویند چرا مردم خودت این شعار را می دهند؟ اما یک وقت، میهمانان یا مسافرانی از جای دیگر به این جا آمده اند و می گویند: «مرگ بر امریکا»؛ تو چرا سینه سپر می کنی؟! این نیست، مگر همکاری و همراهی شدید با دشمن خدا و اسلام. این، همان ریشه وهابیت است که امروز ثمره پلید و خبیثه خودش را نشان

می دهد.

وهابیت، بر مبنای ایجاد اختلاف بین مسلمین به وجود آمده است. همین الان ما اطلاع داریم و می شناسیم که علمای حنابله غیر وهابی در عربستان سعودی، دلشان از این وهابیها خون است. اینها حنابله یی هستند که وهابی نشدند. فقه، همان فقه و مبنای فقهی، همان مبنای فقه حنبلی است؛ اما موازین و اصول وهابیت را قبول نکردند. اینها غالباً هم مطرودند؛ یعنی عموماً این افراد، داخل در حکومت هم نیستند. نه افتایی، نه امامتی و نه هیچ منصب دیگر هم در اختیارشان قرار نمیگیرد. تعداد این افراد هم زیاد است.

اینها در ولادت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مولودیه می خوانند. در نظر سعودیهها، خواندن مولودیه و امثال آن حرام است! نباید به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «سیدنا رسول الله» گفت! نباید قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را بوسید؛ چون حرام است! چرا اینها در شبهای میلاد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خانه های خود - حتی در مکه و بعضی جاهای دیگر - مخفیانه مولودیه می خوانند؟ طبیعی است که این حکومت، دشمن اسلام است. الان هم در هر جای دنیای اسلام که نگاه کنید، با پول بی حسابی که در اختیارشان است، مسجدسازی و مدرسه سازی و کتابخانه سازی و کارهای فریبنده دیگر می کنند. پول هم که چشم افراد را می گیرد. آنها با این کارها وارد می شوند و در طریق اهداف



سیاسی خود استفاده می‌کنند که البته این، خیانتِ قطعی است و اگر کسی چنین حرکتی بکند، قطعاً خیانت کرده است و حتماً بایستی با او به‌عنوان یک خائن برخورد کرد. مردم را نسبت به این قضیه آشنا و متوجه کنید.<sup>(۱)</sup>

### شکستن وحدت شیعه و سنی، خیانت است

منادی وحدت، جمهوری اسلامی بود؛ همه قدرتهای استکباری ریختند سر جمهوری اسلامی! البته جمهوری اسلامی، یک تنه از پس همه آنها برآمد. چرا؟ چون منادی وحدت بود و آنها با وحدت دشمنند. وحدت مسلمین، به ضرر آنهاست؛ لذا سعی می‌کنند وحدت را بشکنند. من عرض می‌کنم: علمای شیعه و سنی، در هر جای دنیا که هستند، و از جمله در کشور عزیز ما، باید مواظب باشند. این وحدت در ایران، گران به دست آمده است. این ندای وحدت در دنیا، گران جا افتاده است. این را آسان نشکنید! هر که بشکند خیانت کرده است؛ هر که می‌خواهد باشد. فرقی نمی‌کند سنی باشد یا شیعه باشد.

این‌که امام بزرگوار توانست اسلام را عزیز کند، به برکتِ ایجادِ احساسِ وحدت در بین مسلمین بود. مسلمان در اقصی نقاط عالم، به

---

۱- دیدار با جمعی از روحانیون حوزه‌های علمیه اهل سنت.

نام امام حرکت می‌کرد. فکر نمی‌کرد که «مذهب من چیست؟» «من سنیام، او شیعه است.» «او سنی است، من شیعه‌ام.» این حالت برای دشمن، حالت مضرّی است. دشمن می‌خواهد این را بشکند. حال اگر دوست این را بشکند چه؟ اگر به جای قدرتهای استکباری، خود من و شما، با حرف زدنیان، با نوشتنیان، با گفتنیان، این وحدت را بشکنیم، شیعه را از سنی، سنی را از شیعه جدا کنیم، چه می‌شود؟ بعد که اینها از هم جدا شدند، نوبت می‌رسد به فرقه‌های سنی: این فرقه را از آن فرقه، اصحاب این اصول را از اصحاب آن اصول، اصحاب این فروع را از اصحاب آن فروع. بعد نوبت می‌رسد به شیعه: این فرقه را از آن فرقه، این دسته را از آن دسته! مگر بر کسی ابقامی‌کنند چرا ما باید به خواست دشمن حرکت کنیم؟ این که امام این قدر روی مسأله «وحدت» تکیه می‌کردند، برای این است که این، یک مسأله احساساتی نیست. این یک مسأله عقلانی است. هر کس به مقدّسات آن فرقه دیگر اهانت کند، اگر با خشونت و اهانت با فرقه دیگر برخورد کند، به هر اندازه که بُردِ کار او باشد، به این وحدت ضربه زده است؛ هر که می‌خواهد باشد.<sup>(۱)</sup>

---

۱- دیدار با کارگزاران نظام و میهمانان کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۴/۶/۱۳۷۲.

## روشنفکران و نخبگان

گرفتن امتناع و «نه» مردم در مقابل سلطه گران، خیانت است  
اسلام به این ملت و این دولت این قدرت را بخشید که بتوانند در  
مقابل سلطه گران متنفّذ در همه جای عالم، «نه» بگویند و پشت در  
نگهشان دارند. کسانی که سعی کنند این حالت امتناع را از این مردم  
بگیرند، به این مردم خیانت می‌کنند. این ملت و این جوانان، همان  
کسانی هستند که در این بیست و یک سال حماسه آفریدند. کسانی که  
بخواهند این حماسه‌ها را در چشم مردم کوچک کنند یا از یاد مردم  
ببرند، به این مردم خیانت کرده‌اند. آن عاملی که می‌تواند این ملت را  
در راه کمال خود - در راهی که به بهبود معنوی و مادّیاش منتهی  
می‌شود - پیش ببرد، همین ایمان معنوی است. جوانان عزیز من! این  
نگاه مؤمنانه و خردمندانه به مسائل کشور را هرگز از دست ندهید.<sup>(۱)</sup>

۳۵

بی‌توجهی به فرهنگ آزادی و استفاده غلط از آن، خیانت  
است

بی‌انتظامی و بی‌انضباطی به جایی می‌رسد که مردم آرزو

---

۱- بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۱۳۷۹/۸/۲۴.

می‌کنند کاش آدم مستبد و قلدری بیاید و نظم را برقرار کند! عده‌ای می‌خواهند کار این جامعه را به آن جا بکشانند. به قدری از آزادی بد و غلط استفاده کنند و غیرمتعهدانه با افکار و احساسات و ایمان و دلبستگیهای مردم و نیازهای جامعه بازی کنند تا جامعه را به خروش آورند. اینها دشمنان آزادیاند. آزادی را نباید بدنام کرد. از آزادی نباید دشمنی ساخت و سینه حافظان آزادی را هدف قرار داد. با آزادی نباید بازی کرد. کسانی که نام آزادی را می‌آورند، ولی به فرهنگ آزادی مطلقاً پایبند و متعهد نیستند، به آزادی ضربه می‌زنند. اینها طرفدار آزادی نیستند. اینها به آزادی خیانت می‌کنند. آزادی نباید وسیله قانون شکنی و تیشه زدن به ریشه نظام جمهوری اسلامی باشد. در شرق و غرب عالم، هیچ نظامی کسانی را که تیشه برمی‌دارند و به ریشه آن نظام می‌زنند، پذیرایی نمی‌کند؛ اما جمهوری اسلامی این کرامت را کرد. مدتی طولانی کسانی به نام آزادی، با ایمان و دلبستگیهای مردم هر کار خواستند، کردند. جمهوری اسلامی هم - حال به هر دلیلی - سکوت کرد؛ نظام هم تحمل و به تعبیری کرامت کرد.<sup>(۱)</sup>

---

۱- بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

## تضعیف ملت و خدمتگزاران ملت، خیانت است

اقتدار ملت ما باید همه دست به هم بدهند این مملکت را نجات بدهند؛ نه این که حالا بنشینند هر چه می خواهند به دولت حمله بکنند؛ هر چه می خواهند به ملت حمله بکنند؛ هر چه می خواهند به مجلس خبرگان حمله بکنند؛ هر چه بخواهند به کمیته‌ها و هر چه بخواهند به پاسداران و سپاه پاسداران و هر چه بخواهند به اینها حمله بکنند، و تضعیف بکنند. امروز تضعیف ملت و پاسدار و این قشری که الآن مشغول خدمت هستند خیانت به این مملکت است. باید ما دست برداریم از این افکاری که داشتیم و داریم که ما هر چه دلمان می‌خواهد بنویسیم، چون خوب می‌نویسم فکر نباشم، فکر این نباشم که چه چیز می‌نویسم! گاهی نویسنده‌ها اینطوری هستند! نویسنده‌اند، خوب چیز می‌نویسند، لکن چیز خوب نمی‌نویسند. یک مسأله مضرّ به مملکت را خیلی قشنگ و آب و تاب دار و طوری که پسند مثلاً بعضی جوانها باشد می‌نویسند، لکن محتوایش مضر به مملکت. آقایان، به خود بیایید! نویسنده‌های ما، گوینده‌های ما، روشنفکرهای ما، این مملکت حالا از خودتان هست؛ بنشینید همه دست به دست هم بدهید با این قشرهایی که مشغول فعالیت هستند شما هم فعالیت کنید. این بیچاره‌هایی که خانه می‌سازند، حمام می‌سازند، مسجد می‌سازند، دارو خانه درست می‌کنند، و امثال ذلک

- که حالا آقا شرح یک مختصریش را فرمودند - خوب شما هم بنشینید کمک بکنید. نمی‌توانید بروید حمام بسازید، لااقل حمام را خراب نکنید. نمی‌توانید بروید در بین کشاورزها درو بکنید، لااقل با قلمهای خودتان این دروگرهای ما را اذیت نکنید.<sup>(۱)</sup>

**قلمها و زبانها در ضدیت احکام اسلام نوشتن، خیانت است**  
 برادرهای من! خواهرهای من! توجه بکنید که مسؤولیت داریم امروز، مسؤولیت‌های بزرگ داریم ما. اگر این نهضتی که تا اینجا رسیده و این انقلابی که تا اینجا رسیده است و یک جمهوری اسلامی در مملکت ما تحقق پیدا کرده است، اگر این از دست ما برود همه ما مسؤولیم. اگر قلمهایی که در روزنامه‌ها به ضد هم چیز می‌نویسند کمک کنند برای از بین رفتن جمهوری، همه مسؤولند ما مسؤولیم. و ما اسلام، امانت است پیشمان. احکام اسلام امانت است پیشمان. و نباید با سر قلمها خیانت کنیم بر این امانت. و نباید با زبانها خیانت کنیم به این امانت. و نباید با قلمها و قدمها به این امانت بخواهید خیانت کنیم. اگر بخواهید کشورتان مستقل باشد، اگر بخواهید کشورتان روی پای خودش بایستد و بخواهید آزاد باشید، باید از این‌طور مناقشات دست بردارید. و همه نظر حسن بکنید. و برادروار

همه با هم کمک بکنید تا این کشور به مقصد خودش برسد.<sup>(۱)</sup>

## اسلام منهای روحانیت، خیانت است

ما اگر تمام آزادیها را به ما بدهند، تمام استقلالها را به ما بدهند و بخواهند قرآن را از ما بگیرند، نمی‌خواهیم. ما بیزار هستیم از آزادی منهای قرآن، ما بیزار هستیم از استقلال منهای اسلام، ما بیزار هستیم از این‌که بگویند اسلام منهای روحانیت است. اسلام منهای روحانیت خیانت است. می‌خواهند اسلام را ببرند، اول روحانیت را می‌برند؛ اول می‌گویند اسلام را می‌خواهیم، روحانیت را نمی‌خواهیم! روحانیت استثنا بشود، اسلام در کار نیست. اسلام با کوشش روحانیت به اینجا رسیده است.

بیدار باشید، خانمها بیدار باشید! آقایان بیدار باشید. مسائل شخصی خودتان را کنار بگذارید. مسائل جزئی را کنار بگذارید. احتیاجات را کنار بگذارید. امروز وقت این نیست که من محتاج هستم، من چیز ندارم. امروز وقت این است که ما اسلام را تقویت کنیم. همه اقشار بیدار باشند. کارگراها بیدار باشند، دهقانها بیدار باشند. بازاریها بیدار باشند، دانشگاهیها بیدار باشند، تز اسلام منهای روحانیت یعنی لا اسلام! درجه اولش این است؛ بعد هم کتابهای

روحانیت را به دریا بریزند! بیدار باشید!

من توجه شما را به این خطر، به این خطر عظیم، عطف می‌کنم. خطر بزرگ است؛ با صورت‌های آزادی ما می‌خواهیم، دمکراتیک ما می‌خواهیم، استقلال می‌خواهیم. اسلام چه؟ منهای اسلام! در تمام حرف‌هایشان اسلام در کار نیست. اگر اسلام نبود، شما حالا در زاغه‌ها بودید، شما در خارج کشور بودید. اگر در کشور بودید، در زاغه‌ها زندگی می‌کردید، در بیغوله‌ها زندگی می‌کردید، نمی‌توانستید ظاهر بشوید. اسلام است که شما را آزادی داد و آورد در میدان. بر ضد اسلام قیام نکنید. خواهران من، عزیزان من، برادران من، عزیزان من، توجه داشته باشید توطئه در کار است، توطئه بزرگ در کار است، توطئه‌ها در کار است. قشرهای مختلفی که به اسلام پشت کرده‌اند، و از اول توجه نداشتند، دارند با هم جمع می‌شوند.<sup>(۱)</sup>

۴۰

**تجدیدنظر طلبیهای سیاسی و مصلحتی در اثر تطمیع**

**دشمنان، خیانت است**

در حوزه اندیشه، قانون‌شکنی می‌کنند. حوزه اندیشه و فکر هم قوانینی دارد و باید از آن قوانین پیروی کرد. اگر کسی درباره یک مبنای فکری شبهه‌ای دارد، قانونش این است که آن را در مراکز



تخصّصی و محافل علمی مطرح کند. یا باید شبهه را برطرف کرد و از ذهن خود زدود، یا اگر شبهه اشکال واقعی است، آن را به یک نظریّه تبدیل کرد و ذهنهای اهل علم و اهل نظر را نسبت به آن منقاد نمود. این حضرات از این قانون پیروی نمی‌کنند. شبهه‌ای به ذهن آنها می‌آید، خودشان دچار بیاعتقادی می‌شوند و بر اثر هزار گونه ابتلاء و گرفتاری، پایه‌های ایمان عمیق قلبیشان را موربانه هوی و هوس و رفاه‌زدگی و دنیاطلبی می‌چورد و می‌خورد و شبهه‌دار می‌شوند؛ آن‌گاه می‌آیند شبهه را در افکار عمومی مطرح می‌کنند و آسمش را هم تجدیدنظر می‌گذارند! این خیانت به افکار عمومی است. تجدیدنظر یعنی چه؟ یک وقت معنای تجدیدنظر این است که انسان از خطایی، اندیشمندانه و منصفانه برمی‌گردد. این امر بسیار خوبی است؛ اما تجدیدنظرهای سیاسی، مصلحتی و ناشی از تغییر موقعیتهای و تطمیع دشمن، تجدیدنظر نیست؛ اینها هرّری مسلکی است.

ما در اسلام اجتهادِ دائم داریم. اجتهادِ دائم، یعنی انسانِ صاحب‌نظر همیشه در صدد تکمیل فکر خود است. در راه تکامل، گاهی انسان خطایی را تصحیح می‌کند؛ این درست و خوب است. در طریق فکر اسلامی، صاحب‌نظران، اندیشمندان و انسانهایی که قدرت اجتهاد و استنباط در مبانی فکری و نظری انقلاب را دارند - نه هر کسی که ادّعا دارد، نه کسی که صلاحیتهای علمی و فکری لازم را

کسب نکرده است - دائم باید فکر کنند و اندیشه را تکمیل نمایند. این امر خوبی است.

نباید تابع حزب باد باشیم و هر روز، باد به هر طرف که وزید، آن‌گونه تصمیم بگیریم؛ یا نگاه کنیم ببینیم دشمن چه ژستی می‌گیرد، ما هم ژست خود را با او تطبیق کنیم؛ اگر او اخم کرد، ما چهره ترس‌آلود بگیریم؛ اگر او حرف تندی زد، ما چهره معذرت‌طلبانه به خود بگیریم! این‌که نشد.<sup>(۱)</sup>

۴۲

القاء این که اسلام قابل اجرا نیست و اسلام منهای روحانیت، خیانت است

از ۱۵ خرداد تا حالا که آمدیم، خون دادیم یعنی شما خون دادید، من که نشسته‌ام این‌جا. من هم هیچ حقی ندارم. شما خون دادید. شماها به میدان رفتید؛ شماها مبارزه کردید؛ ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم. نه استفاده عنوانی. خاک بر سر من که بخوادم استفاده عنوانی از شما بکنم! خاک بر سر من که بخوادم خون شما ریخته بشود و من استفاده‌اش را ببرم! [گریه و ابراز احساسات شدید جمعیت و شعار درود بر خمینی] طبقه‌های بالا، آنهایی که فعالیت هیچ نداشتند و

---

۱- دیدار با جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.

مخالفت هم ندارند، حقی ندارند، و نباید حقی داشته باشند؛ لکن اگر از حالا خدمت بکنند، صاحب حق می‌شوند. و من مأیوسم که خدمت بکنند. آنهایی که نظر انحرافی دارند، آنهایی که نظر خیانت به اسلام و این ملت دارند، آنهایی که اسلام ۱۴۰۰ ساله را کافی نمی‌دانند، آنها باید حسابشان را از ملت جدا کنند. جدا هم هست. ما از این به بعد احتیاج به شما داریم. احتیاج به همین طبقه؛ و بی‌نیاز از آن طبقات. امروز روزی است که اسلام باید تحقق پیدا کند. این حرفها که گفته می‌شود نظیر همان حرفها بود که گفته شد که «حالا زود است صبر کنید.» ما اگر اسلام را در این انقلاب، در این نهضت احکام اسلام را پیاده نکنیم، کی پیاده خواهیم کرد؟ چه وقت همچو نهضتی تحقق پیدا می‌کند؟ اگر این نهضت خدای نخواستہ بخوابد و به خاموشی بگراید، کی می‌تواند دیگر اسم اسلام را بیاورد؟

۴۳

اگر ما امروز قوانین اسلام را اجرا نکنیم، کی اجرا بکنیم؟ آقایانی که می‌گویید نمی‌شود، پس کی می‌شود؟ پس بگویید هیچ وقت اسلام نه! بگویید نهضت منهای اسلام. همان طوری که گفتید اسلام منهای روحانیت، حالا هم بگویید نهضت منهای اسلام. اگر با این نهضت اسلام را متحقق نکنید و احکام اسلام را مو به مو جاری نکنید، مأیوس باشید دیگر نخواهد شد. آنهایی که به اسلام عقیده دارند، آنهایی که دلشان برای قرآن می‌تپد، امروز باید فعالیت کنند. ۱۵

خرداد برای همین بود. قبل از ۱۵ خرداد برای اسلام بود قیام روحانیون؛ قیام ۱۵ خرداد برای همین بود؛ بعد از آن هم دنباله همین بود. اسلام بود لیس آل. ما غیر اسلام نمی‌خواهیم. و اسلام در همه وقت و خصوصاً حالا قابل اجراست.

آقایان! توجه کنید به گفته‌های خودتان، توجه کنید به نوشته‌های خودتان، توجه کنید که شما را اسلام از قید و بند آزاد کرد. توجه کنید که شما را اسلام از بلاد خارج به داخل کشاند. توجه کنید که اسلام شما را از زاویه‌ها بیرون کشید؛ از کنج خانه‌ها بیرون کشید. توجه کنید که اسلام قلم شما را آزاد کرد. توجه کنید که اسلام بیان شما را آزاد کرد. حالا بر ضد اسلام؟! مسلمین می‌توانند تحمل کنند که اسلام و خون مسلمین شما را آزاد کرد، و حالا بر ضد اسلام قیام می‌کنید؟ چیز می‌نویسید؟ این کفران نعمت است. خداوند این نعمت را به شما داد. شکرانه این نعمت این است که تبعیت کنید از اسلام. توبه کنید از حرفهایی که می‌زنید. توبه کنید از نوشته‌هایی که می‌نویسید. گرایش کنید به اسلام. گرایش کنید به طبقات پایینی که شما پایین می‌دانید و از شما بالاترند. اینها چهره نورانی اسلام و مسلمینند. اینها چهره‌هایی هستند که رسول خدا آنها را می‌پذیرد. اینها چهره‌هایی هستند که محبوب خدا هستند. شما هم وارد اینها بشوید؛ چهره خودتان را با اینها منطبق کنید؛ آراء خودتان را با اینها

منطبق کنید. هی دم از غرب چقدر می‌زنید! چقدر میان تهی شدید! باید احکام اسلام را با احکام غرب بسنجیم! چه غلطی است! شکر نعمت این است که به اسلام وفادار باشید. من به شما اخطار می‌کنم که به اسلام وفادار باشید، من شما را نصیحت می‌کنم. من در همین مدرسه شاه را نصیحت کردم و نشنید، شما که چیزی نیستید. عصر عاشورا من گفتم کاری نکن که ملت تو را بیرون کند. نشنید و کاری کرد که ملت بیرونش کرد. [تأیید حضار و سپس شعار درود بر خمینی جمعیت] برادرهای من! از هر قشری که هستید، وقت نگذشته است؛ وقت توبه باقی است. بیایید با این ملت برادروار در این راه راهپیمایی کنید. یکی از شما توی این جمعیت نیست! یک دانه از شما توی این جمعیت نیست! بیایید با این مردم هم رأی باشید؛ هم صدا باشید. بیایید [به سوی] اسلام که همه شما را نجات داد. به شکرانه نعمت از اسلام وفاداری کنید. برای اسلام باشید. (۱)

**دین را در خدمت دنیای مستکبران و گردنکشان قرار دادن، خیانت است**

اما دنیا مفهوم دیگری هم دارد. در متون اسلامی، دنیا به معنای نفسانیت و خودخواهی و اسیر هوی و هوس خود بودن و دیگران را

هم اسیر هوی و هوس خود کردن، آمده است. سرتاسر قرآن و احادیث و کلمات بزرگان دین در طعن و طرد چنین دنیایی است. در لسان روایات ما، دنیای مطرودی که با دین قابل جمع نیست، به معنای هوی و هوس و نفسانیت و انانیت و خودخواهی و خودپرستی است؛ این دنیا شاخصه فرعون و نمرود و قارون و شاخصه شاه و بوش و صدام است؛ این دنیا شاخصه مستکبران ظالم و ستمگر روزگار در طول تاریخ تا امروز است. البته اینها مجسمه‌های بزرگترِ رذائل اخلاقی و این دنیای مذموم‌اند. یک انسان معمولی هم می‌تواند در دل و درون خود یک فرعون داشته باشد و به قدر توان و امکانات خود، فرعون‌ی و قارونی و قیصری و امپراتورانه عمل کند. اگر امکاناتش بیشتر شد، او هم مثل فرعون و قارون و بقیه گردنکشان و طواغیت تاریخ خواهد بود. این دین با دنیا قابل جمع نیست؛ این همان دنیایی است که در لسان روایات، هووی دین نامیده شده است؛ نمی‌توانند با هم جمع شوند. اگر کسی بخواهد دنیای به این معنا را با دین جمع کند، ممکن نیست. دین را با چنین دنیایی نمی‌شود آباد کرد. دین را در خدمت چنین دنیایی قرار دادن، خیانت به دین است. امام، ما را از اسارت دنیا هم برحذر می‌داشت. امام بزرگوار ما که دین را عین سیاست، عین اقتصاد و عین دنیا می‌دید، دائماً مردم و مسؤولان را از

دنیای به این معنا بر حذر می‌داشت.<sup>(۱)</sup>

## عدول از ارزشهای اسلامی و انقلابی تحت عنوان عقل‌گرایی، خیانت است

برادران و خواهران من! ملت عزیز ایران! این مکتب، ما را در طول این سی و دو سال از گردنه‌های خطرناکی عبور داده است؛ سطح عزت ملی و شرافت بین‌المللی ما را بالا آورده است. کشور به برکت پیمودن این راه، در همان حدی که رعایت کرده است، پیشرفت کرده است؛ به سمت آرمانهای خود پیش رفته است. ما باید رعایت کنیم، منتها همه جوانب را با هم. اگر کسی یا جریانی بخواهد به نام عقل‌گرایی، از ارزشهای اسلامی و انقلابی عدول کند، این انحراف است. اگر کسی بخواهد به وسیله عقل‌گرایی، در مقابل دشمن بی‌تقوایی به خرج بدهد، وابستگی به وجود بیاورد، این انحراف است، این خیانت است. آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضاء نمی‌کند که ما از خدعه دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیائیم. هرچه که انسان در مقابل دشمن کوتاه بیاید، پشتوانه عظیم معنوی در درون کشور و درون ملت را از دست خواهد داد.

---

۱- بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴/۳/۱۴.

همین طور در نقطهٔ دیگر: اگر به نام عدالت خواهی و به نام انقلابی‌گری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابی‌گری، به نام عدالت خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما می‌دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایداء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابی‌گری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آراء و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های موظف باید تعقیب کنند و می‌کنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمی‌خواهد براندازی کند، نمی‌خواهد خیانت کند، نمی‌خواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقهٔ سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمی‌توانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ «و لایجرمتکم شنئان قوم علی الآ تعدلوا». قرآن به ما دستور می‌دهد و می‌گوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. «هو اقرب



للتَّقْوَى»؛<sup>(۱)</sup> این عدالت، نزدیکتر به تقواست. مبدا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له کند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم. این بُعد هم نباید ابعاد دیگر را در سایه قرار بدهد.<sup>(۲)</sup>

## طرح موضوعات مورد نظر آمریکائها و صهیونیستها، خیانت است

جنگهایی که الآن در دنیا هست و بوده است و سابق بوده است شما ملاحظه کنید که چه می‌کنند اینها با این بشری که ادعا می‌کنند که ما برای «حقوق بشر» مثلاً طرح داریم، مجلس داریم. همینها وقتی که چهار نفر در ایران به واسطه جنایات پنجاه ساله‌شان کشته می‌شوند، در محاکم اینجا محکوم به اعدام می‌شوند، همینها در آنجا در روزنامه هایشان شروع می‌کنند به نوحه سرایی کردن و انتقاد از محاکم اینجا! همینهایی که الآن در میدانهای جنگ [مشغول اند به] سرکوبی و کشتن آدمها برای رسیدن به یک چیزی که مثلاً فرض کنید برای او به حسب توهم یک نفعی دارد. اینهایی که الآن مشغول کشتن فوج فوج آدم هستند، [برای] دو سه نفر، چند نفر آدمی که در

---

۱- سوره مائده، آیه ۸.

۲- بیانات در بیست و دومین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۴/۳/۱۳۹۰.

اینجا پنجاه سال جنایت کرده‌اند و چند صد نفر آدم یا کشته یا امر به کشتن کرده‌اند، وقتی که اینها را در محاکم محکوم به اعدام می‌کنند، فریادشان بلند می‌شود! در همین حالی که افراد آنها الآن مشغول آدمکشی هستند، فوج فوج مردم را می‌کشند، در همین حال برای اینها نوحه خوانی می‌کنند! و مع‌الأسف در بین خود جمعیت‌های اسلامی، جمعیت شرقی، در مملکت ما، در مملکت شما، موجودهایی هستند که یا باورشان آمده است حرف‌های اینها را، که [باید] آدم بگویند اینها بسیار عقب مانده‌اند از حیث افکار. یا باورشان نیست، لکن برای آنها کار می‌کنند که باید بگوییم خیانتکارند. در بین ما هست در بین شما هم هست افرادی که همان مسائلی که آنها می‌خواهند، همان مسائلی که در غرب گفته می‌شود، آنها در بطن جامعه خودشان طرح می‌کنند و می‌گویند، همان طوری که مطبوعات امریکا مطبوعاتی [است] که تحت نظر مستقیم صهیونیسم هستند، همان مطالبی را که آنها می‌نویسند، نویسندگان ما بعضیشان، و گوینده‌های ما بعضیشان همان مسائل [را می‌نویسند]. در ممالک شما هم هست. (۱)

## نفی دستاوردهای انقلاب، خیانت است

ای دوستان من، ای برادران من! از تفرقه بپرهیزید. و همان طور که امروز، روز پیوند روحانی و دانشگاهی و دانشجویان است، ادامه بدهید به این پیوند. و روشنفکران و نویسندگان، تمام قشرها به این دو پیوند عزیز پیوندند. شما دیدید با پیوند قشرهای مختلف اعجاز بزرگ تاریخ را ایجاد کردید و آن شکست همه ابرقدرتها بود. امروز آنها از کار ننشسته و مشغول توطئه هستند. شما را به روی هم باز می‌دارند، و می‌دارند و از اجتماع باز می‌دارند. هر قشر شما با قشر دیگر تفرقه افکنی می‌کنند. آنها بین اقشار تفرقه افکنی می‌کنند. کمک نکنید به این تفرقه افکنیها، که این، کمک به دشمنان کشور است، به دشمنان اسلام است.

۵۱

انتقاد این قدر نکنید بدون جهت، بهانه گیری نکنید بدون جهت که این به نفع دشمنان ماست. هر روز نگویید انقلاب شد و هیچ نشد. این خیانت به ملت است. ملت همه چیز داد و بزرگترین چیز را به دست آورد و آن آزادی و کوتاهی دست دشمنان. و برای همین فریاد می‌کرد و این را به دست آورد. نگویید چیزی نشد؛ شد و معجزه شد. آنهایی که می‌گویند نشد، برای تضعیف روحیه ملت است. برای سست کردن اراده ملت است. این دانسته یا ندانسته خدمت به استعمار است. این دانسته یا ندانسته خدمت به رژیم منحط

شاهنشاهی است. کارهای بزرگی شد، کارهای معجزه‌آسا؛ شکست طاغوت، شکست ابرقدرتها. امروز مملکت ما مستقل است. احدی در او تصرف نمی‌تواند بکند. و اجازه نمی‌دهیم که چپ و راست در این مملکت دخالتی بکند. اجازه نمی‌دهیم که ذخایر ما را به چپاول ببرند. از این چیز بهتر چه می‌خواستید از یک انقلاب؟ همان که ملت می‌خواست؛ آزادی را می‌خواست، حاصل است. همه الآن آزاد نشسته‌اید و در همه جا آزاد مجتمع هستند. و در پنج سال پیش، هیچ نمی‌توانستید یک همچو اجتماعی را ایجاد کنید. آزادید، این چیزی بود که ملت می‌خواست و شد. مستقلید، هیچ قدرتی به شما نمی‌تواند حکومت کند، مستقلید. و این مطلبی است که شد. این چیزی است که می‌خواست ملت و شد. رژیم را ساقط کردید و جمهوری اسلامی را ایجاد کردید. و این امری است که شد. این سه مطلب را ملت ما می‌خواست و هر سه مطلب شد.

ای کوتاه فهمان! ای خیانتگران! اینقدر تزویر نکنید که چه شد. همان که ملت می‌خواست شد. ملت ما برای شکم قیام نکرده بود. ملت ما برای این امور منحط قیام نکرده بود. ملت ما برای آنچه قیام کرده بود، شد. چطور می‌گویید نشد؟ و از این به بعد هم تمام خواسته‌های دست دوم ملت انجام خواهد گرفت. و نه قدرتهای خارجی و نه توطئه‌های داخلی و نه قلمها و نه گفتارها نمی‌تواند

جلوگیری کند از این سیل خروشان. برادران من! بدانید که این مسائلی که طرح می‌کنند و این اشکالاتی که می‌تراشند همه برای تضعیف شماست. همه برای این است که شما را مایوس کنند. می‌خواهند شما را از اسلام مایوس کنند. آنهایی که منافع خودشان را از دست داده‌اند - یا در خطر می‌بینند - می‌خواهند شما را مایوس کنند. می‌خواهند شما را از قدرت خودتان مایوس کنند تا سست بشوید و آنها به مقاصد خودشان برسند. لکن باید بدانند که نه ملت ما دیگر سست خواهد شد و نه شما دیگر به مقاصدتان می‌رسید.<sup>(۱)</sup>

۵۳

### مسلط کردن آمریکا بر کشور ولو تحت عنوان آزادیخواهی، خیانت است

آزادیخواهی نباید فقط منحصر در معنای محدود سیاسی تلقی و معنا شود. در آزادیهای سیاسی، آزادیهای اجتماعی از بخشهای مهم آزادیهای بشری است. ما خودمان کتکخورده و زندان رفته این آزادیها هستیم و معنی آزادی سیاسی را می‌فهمیم؛ اما می‌گوییم کسانی که با شعار آزادی سیاسی، دنبال تحقق شعارهای ضد آزادی‌ترین مجموعه‌های سیاسی دنیا - هیأت حاکمه آمریکا؛ فاشیستهای ظاهراً دمکرات موجود در دنیا که از هر فاشیستی،

---

۱- صحیفه امام، ج ۱۰، صص ۴۷۳ و ۴۷۵.

فاشیستترند مجموعه‌ای متعصب و نو محافظه کار که تازه وارد میدان سیاست شده‌اند - درباره ایران هستند، اینها آزادیخواهند؟ این، آزادیخواهی و دنبال آزادی سیاسی رفتن است؟ آن شعار آزادیخواهی که معنا و مآل و خلاصه‌اش این باشد که امریکا حکومت دست‌نشانده خودش را بر این کشور مسلط کند، آن شعار آزادیخواهی نیست؛ ولو صد بزک و رنگ و روغن آزادیخواهی هم به آن بزنند؛ این شعار، دروغین و شعار اسارت و خیانت است. با منطقی که من می‌گویم، آزاداندیشی را عمیقتر معنا کنیم تا این جا هم اثر خودش را ببخشد. آزاداندیشی یعنی آزادانه فکر کردن؛ آزادانه تصمیم گرفتن؛ ترجمه‌ای، تقلیدی و بر اثر تلقین دنبال بلندگوهای تبلیغاتی غرب حرکت نکردن. لذا شامل علم، معرفت، مشی سیاسی، شعارها و واژه‌ها و خواسته‌های متعارف سیاسی و اجتماعی هم می‌شود. اگر امروز غرب می‌گوید دموکراسی، ما باید فکر کنیم - آزادفکری یعنی این - ببینیم آیا همین که او می‌گوید درست است و دموکراسی به صورت مطلق ارزش است، یا نه قابل خدشه است؟<sup>(۱)</sup>

---

۱- دیدار با جمعی از اعضای تشکلهای جمعی از نخبگان دانشجویی، ۱۳۸۲/۸/۱۵.

## آموزش و پرورش و دانشگاهها

مسامحه و سهل‌انگاری در تعلیم و تربیت، خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی است

مسامحه و سهل‌انگاری در تعلیم و تربیت خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می‌باشد و باید از آن احتراز کرد. امروز دانش‌آموزان باید سعی کنند تاریخ انقلاب اسلامی‌مان را و نقش وحدت بین خودشان و دانشگاهیان را با روحانیون بیاموزند؛ زیرا اگر روحانیون، شما را و شما، روحانیون را بشناسید و با هم تفاهم کنید، مطمئن باشید که جناح‌های غرب‌زده و شرق‌زده از منافقان و چپ‌گرایان و دیگر خرابکاران و منحرفان بر شما و کشور اسلامی‌تان طمع نخواهند کرد؛ و اگر هم طمع کنند، با شکست قطعی مواجه خواهند شد.<sup>(۱)</sup>

تربیت ناصحیح بچه‌ها در آموزش و پرورش، خیانت به انسان و اسلام است

شما اگر بتوانید این بچه‌ها را تربیت کنید به طوری که از اول بار

---

۱- صحیفه امام، ج ۱۷، صص ۳ و ۴.

بیایند به اینکه خداخواه باشند، توجه به خدا داشته باشند، شما اگر عبودیت الله را و پیوند با خدا را به این بچه‌ها تزریق کنید، و بچه‌ها زود قبول می‌کنند امر را، اگر عبودیت خدا را به اینها و تربیت الهی را و آنکه هرچه هست از اوست به اینها القا کنید، و آنها بپذیرند، خدمت کردید به این جامعه؛ بعدها دسترنج‌های شما ارزشمند خواهند شد. و اگر خدای نخواستہ بر خلاف این باشد به این امانت، خدای نخواستہ هرکس کرده باشد خیانت کرده است. و این غیر از همه خیانتهاست. خیانت به انسان است؛ خیانت به اسلام است؛ خیانت به عبودیت الله است.

خیلی باید چشم‌ها را باز کنید. شغلی که انتخاب کردید بسیار شغل عالی است؛ لکن به مسؤولیتش هم باید توجه بکنید. تربیت کنید، مهم تربیت است. علم تنها فایده ندارد، علم تنها مُضر است. گاهی این باران که رحمت الهی است وقتی که به گل‌ها می‌خورد بوی عطر بلند می‌شود؛ وقتی که به جاهای کثیف می‌خورد بوی کثافت بلند می‌شود. علم هم همین‌طور است. اگر در یک قلب تربیت شده علم وارد بشود، عطرش عالم را می‌گیرد. و اگر در یک قلب تربیت نشده یا فاسد بریزد این علم و وارد بشود، این فاسد می‌کند عالم را **اِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالِمُ** <sup>(۱)</sup> اگر صالح بشود، صالح می‌کند. <sup>(۲)</sup>

۱- هنگامی که عالم فاسد شود، جهان فاسد می‌شود.



## تربیت غیر انسانی و اسلامی فرزندان در مدارس، خیانت به امانت است

همیشه اکثراً افراد نادر هستند که وارد می‌شوند و یک کشور را یا ترقی می‌دهند، و یا تنزل می‌دهند. شما باید توجه به این معنا داشته باشید که اگر تربیتتان تربیت خدای نخواستہ خلاف انسانی و اسلامی باشد، هر کاری که او بعدها بکند شما هم شریک جرمید. و اگر تربیت، یک تربیت انسانی و روی فطرت انسان باشد، بعدها هم که هر کار خوبی بکند شما شریکید در آن کار خوب. معلم امانتداری است غیر همه امانت [دار] انسان امانت اوست. امانتهای دیگر را اگر کسی خیانت به آن بکند خلاف کرده است؛ یک قالی را که به آن امانت داده بودند از بین برده است، در جامعه یک چیزی درست نمی‌شود؛ یک شخصی ضرری کرده است، و این هم باید ضرر او را جبران کند. اما امانت اگر انسان شد، اگر یک طفل قابل تربیت شد، اگر خدای نخواستہ این امانت به آن خیانت شد، یک وقت می‌بینید خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است. بنابراین، این شغل در عین حالی که بسیار شریف است و بسیار ارزنده است، از باب اینکه همان شغل انبیاست که برای انسان سازی آمده بودند، مسؤولیت بسیار بزرگ است، چنانچه مسؤولیت انبیا هم بسیار

بزرگ بود.

باید خیلی شما توجه کنید به اینکه یک فرد عادی نیستید. اگر فرض کنید در یک اداره‌ای یک نفر آدم یک خلاف کرد، در یک وزارتخانه یک نفر آدم یک خلاف کرد، آن خلافی که در یک وزارتخانه می‌شود یا یک اداره می‌شود با این خلافی که در جاهایی که تربیت و تعلیم باید واقع بشود و در آموزش و پرورش می‌شود، بسیار فرق دارد. آموزش و پرورش انحرافی و استعماری اداره می‌شد، تحت رسیدگی دقیق قرار گیرد تا فرزندان عزیزم از آسیب و انحراف مصون گردند.<sup>(۱)</sup>

۵۸

### اختلاف و تفرقه تحت هر عنوان، خیانت به اسلام است

برادرهای دانشگاهی، توجه کنید که شما را جدا نکنند از روحانیون. برادران روحانی، توجه کنید که شما را جدا نکنند از دانشگاهیها. همین چند روز در اصفهان، در مشهد، در تهران، اساس یک خلاف را دارند طرح‌ریزی می‌کنند که دانشگاه را از روحانی جدا کنند. بعضی منبربهای نادان و بعضی دانشگاهیهای نادان می‌خواهند این دو قشر را از هم جدا کنند. طرحش را ریخته‌اند در یک موقعی که موقع طرح قانون اساسی است. در یک موقعی که موقع نتیجه‌گیری است. در یک موقعی که نزدیک به ماه مبارک رمضان است و

---

۱- صحیفه امام، ج ۱۴، صص ۳۵ و ۳۶.

اجتماعات شما برای آنهایی که می‌خواهند ایران را از بین ببرند، اسلام را از بین ببرند؛ خطر دارد. ماه مبارک، ماه اجتماع است، ماه وحدت است؛ ماه خداست؛ در یک همچو موقعی قبل از ماه رمضان و موقع نتیجه‌گیری از این خونها، از این زحمتها، از این رنجها، طرح یک اختلاف بزرگ بین روحانیون و دانشگاهی ریخته شد. یکی جزوه می‌دهد لعن می‌کند یک کسی را؛ یکی جزوه می‌دهد تعریف می‌کند از کسی! هر دویش خلاف است. هر دویش امروز غلط است. دست بردارید از نادانی! شما را تحریک نکنند آنهایی که با اسلام دشمنند.

۵۹ خیانت به اسلام نکنید! این تفرقه امروز خیانت به اسلام است، با هر اسمی که باشد. امروز سر ولایت امیر المؤمنین اختلاف کردن خیانت به اسلام است. امروز این حرفها را طرح نکنید. همه توجه به این معنا داشته باشید که این سرنوشتی که بناست برای ایران تحقق پیدا کند خوب باشد. با اعمال شما نبادا اسلام فراموش بشود. با اعمال شما نبادا اسلام دفن بشود. اگر دلسوز به اسلام هستید، دست از تفرق بردارید. اگر دلسوز به ملت هستید، دست از تفرق بردارید. اگر دلسوز به کشورتان هستید، دست از این تفرقات بردارید.

این طرح شیطانی که در اصفهان ظهور کرده، و در مشهد و در تهران هم، این طرح شیطانی را خنثی کنید. سر یک نفر آدم که آیا

کافر است یا مُسلم، تو سر هم نزنید! توجه به مسائل کنید. شما را می‌خواهند به جان هم بریزند، و آنها نتیجه بگیرند.<sup>(۱)</sup>

## مسئولین و مدیران نظام جمهوری اسلامی

تجربه کار سیاسی روی جوانان و قرار دادن کار فرهنگی در خدمت سیاستهای جناحی، خیانت است

مسئولان کشور - بخصوص مسئولان فرهنگی، و بالأخص  
مسئولان آموزش و پرورش - نباید روی جوانان کار سیاسی را تجربه  
کنند؛ این خیانت است. هر مسئول و مدیری که وظیفه فرهنگی دارد،  
اگر کار فرهنگی خودش را در خدمت سیاستهای خطی و جناحی قرار  
دهد، خیانت کرده است. هم آن کسانی که خیال می‌کنند نسل جوان  
فساد شده - چون چهار نفر پسر و دختر را با لباسی که آنها  
نمی‌پسندند، می‌بینند؛ که لزوماً هم معلوم نیست آن چنان منفی  
باشد - اشتباه می‌کنند؛ هم آن کسانی که خیال می‌کنند از جوان باید  
استفاده سیاسی کرد و به عنوان یک کالای سیاسی او را مصرف کرد،  
اشتباه می‌کنند. دسته سومی هم هستند که اشتباه می‌کنند. آنها  
کسانی هستند که دل بسته‌اند تا پایان دوران نظام اسلامی را به

۶۰

چشمشان ببینند؛ به امید این که جوانان دیگر از نظام اسلامی دفاع نمی کنند. آنها هم سخت در اشتباه اند.<sup>(۱)</sup>

### استفاده ابزاری از جوانان در مقاصد سیاسی، خیانت است

در مورد جوانان گرایشهای افراطی و تفریطی مشاهده می شود. بعضی کسان عادت کرده اند شخصیت و اراده و فهم و تواناییهای بیکرانه جوان را ندیده بگیرند و او را به ندانستن یا به هرگونه چیزی که از نظر آنها ناپسند است، متهم کنند. این عادت غلطی است. جوان، مظهر تحرّک و سرشار از استعداد و دارای ذخیره ارزشمندی است - یعنی نشاط جوانی، قدرت جوانی، استعداد جوانی و حوصله جوانی - که می تواند معجزه ها بیافریند. آن بیاعتنایی، یک رفتار و برداشت غلط و منحرفانه است.

در نقطه مقابل، عده ای سعی می کنند جوان را بازیچه مطامع و اهداف سیاسی خودشان قرار دهند و او را به عنوان ابزار به کار گیرند؛ آنچه را که برای جوان لازم است - چون ممکن است خاطر او را آزرده کند - به او نگویند؛ آنچه که او را به آنها خوش بین و از آنها دلخوش می کند - اگر خلاف واقع هم هست - به او بگویند؛ برای این که در میدانهای سیاسی و حزبی و برای اهداف گوناگون و بعضاً نامقدس

---

۱- دیدار با جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت، ۱۳۸۰/۲/۱۲.

لشکرکشی کنند. این هم غلط و انحراف و خیانت و تضييع نعمت الهی است.<sup>(۱)</sup>

## هر حرکتی در تضعیف نظام جمهوری اسلامی، خیانت است

امروز، به خاطر همین خصوصیات در جمهوری اسلامی، هر کسی که برای عزّت و پیشرفت این جمهوری، برای اصلاح امور مردم در این جمهوری و برای موفقیت‌های روزافزون این نظام مقدس تلاش بکند، برای کل جهان اسلام مجاهدت و تلاش کرده و در حقیقت، اسلام را پشتیبانی کرده است. امروز، مسأله، مسأله یک ملت نیست. مسایل ما، مسایل دنیای اسلام و مسایل ملت‌هاست. مسأله ما، مسأله اصل اسلام و پرچم و علم اسلام می‌باشد که در جهان به اهتزاز درآمده است. هر کسی که امروز در جهت تضعیف نظام جمهوری اسلامی، حرکتی انجام بدهد، حرفی بزند و اقدامی بکند، دامنه کار خلاف او، به همه ملت‌های مسلمان، گسترش پیدا می‌کند. یعنی باید بداند که این کار، فقط خیانت به این ملت نیست؛ خیانت به اسلام و به ملت‌های متعدد و به تاریخ اسلام است.<sup>(۲)</sup>

۶۲

---

۱- دیدار با اعضای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانش آموزان و مسؤولان امور تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۸.

۲- دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹/۴/۲۰.

## شایعه پراکنی، تهمت زنی و درگیریهای دروغین در انتخابات، خیانت است

همه باید هوشیار باشند؛ هم دست اندرکاران، هم اشخاص و عناصر سیاسی و هم همه آحاد ملت. دست اندرکاران انتخابات باید با هوشیاری تمام، کار خودشان را طوری به انجام برسانند که هیچ خدشه‌ای در کار آنها وارد نشود؛ یعنی قانون را رعایت کنند. من، هم از وزارت کشور دفاع میکنم، هم از شورای نگهبان دفاع میکنم؛ هر دو دست اندرکاران نظام اسلامی‌اند و هر کدام وظیفه‌ای دارند. وزارت کشور باید دقیقاً برطبق قانون عمل کند و نگذارد به آراء مردم خیانت شود. آراء مردم را تا آن جا که وسع و قدرت دارند، گردآوری کنند و با امانت و دقت تمام، این آراء را بازخوانی کنند، تا نتیجه معلوم شود. شورای نگهبان هم با کمال دقت و امانت باید مراقب باشد که هیچ‌گونه تخلفی در انتخابات نشود. حق مردم است که شورای نگهبان نگذارد بدخواهان این ملت به قوه مقننه راه پیدا کنند. شورای نگهبان باید حق مردم را ادا کند و مانع شود از این که بدخواهان این ملت، بدخواهان این انقلاب، بدخواهان امام، وارد قوه مقننه کشور امام شوند؛ آن هم در مجلسی که در سال امام تشکیل می‌شود. هر دو موظفند؛ هم شورای نگهبان، هم وزارت کشور. باید همه دعا کنیم و توفیق آنها را از خدا بخواهیم و به آنها کمک کنیم. در مورد آحاد مردم

و چهره‌ها و شخصیت‌های سیاسی، آنچه مهم است، این است که انتخابات باید در فضایی انجام گیرد که هم پُر شور و زنده و با نشاط باشد، هم آرام و متین باشد؛ یعنی شور و نشاط باشد، اما تشنج نباشد؛ ستانت و آرامش و اطمینان و استقرار باشد. این فضای مطلوب انتخابات است. هرکس این طور عمل کند، خدمت کرده است؛ هرکس عکس این عمل کند، یا مردم را نسبت به انتخابات بدبین کند، یا آنها را از نتایج انتخابات ناامید کند، یا فضا را با شایعه‌پراکنی و تهمت‌زنی و درگیریهای دروغین ملتهب کند و از آرامش بیرون بیاورد، خیانت کرده است؛ هرکس می‌خواهد باشد؛ این را همه بدانند.<sup>(۱)</sup>

### استفاده از مسؤولیت و مدیریت در جهت منافع شخصی، خیانت است و لعنت خدا بر او باد تا قیامت

امروز کشورهای مسلمان، مجذوب حاکمیت اسلامند و آن روزی که تحقق واقعی حاکمیت اسلام را ببینند، این جاذبه ده برابر خواهد شد. یعنی ببینند حدود الهی در جامعه‌ای رعایت می‌شود؛ ببینند حقوق مردم در یک جامعه به طور کامل رعایت می‌شود؛ ببینند هیچ کس به خاطر برخورداریهای گوناگون، دیگران را در دامان بیعدالتی و ظلم نمی‌اندازد؛ ببینند هیچ کس به خاطر شخصیت و مقام، از اجرای

۱- دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳/۱/۱۳۷۸.



عدالت حقیقی و واقعی در حقّ او برکنار نمی ماند؛ ببینند تخلف از همه کس جرم است؛ ببینند به همه آحاد مردم به خاطر شأن انسانی و برادری اسلامی، یکسان نگاه می شود. اگر ما این طور عمل کردیم، این امانت الهی را که در دست ماست، پاسداری کرده ایم؛ اما اگر این گونه عمل نکنیم، آن گاه امیرالمؤمنین قضاوت سختی دارد: «اعلم یا رفاعة انّ هذه الأمانة امانة»<sup>(۱)</sup>؛ امیرالمؤمنین می فرماید: این ریاست و مدیریتی که در اختیار من و شماست، یک امانت است؛ «فمن جعلها خیانة»؛ هر کس این را به خیانت تبدیل کند و به هوی و هوس آلوده نماید و در خدمت مطامع شخصی و وسیله اجرای مقاصد غیرالهی و غیرعادلانه خود قرار دهد، «لعنه الله الی يوم القيامة»؛ تا روز قیامت لعنت خدا بر او خواهد بود.<sup>(۲)</sup>

۶۵

## مسائل اصلی کشور را تحت الشعاع مسائل حاشیه ای کردن، خیانت است

باید اسراف نشود. هزینه کردن اعتبارات و پولهای کشور در جاهای غیر لازم و تشریفاتی و زیادی، حرام است. امروز پرداختن به کارهایی که به جنبه های عملی زندگی مردم ارتباطی ندارد، یک کار

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

۲- خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶.

مسرفانه است. این که بعضیها فضای کشور را آن قدر سیاسی کنند که مسائل اصلی کشور تحت الشعاع قرار گیرد، یک غفلت بزرگ است. البته گروه معدودی این غفلت را عمداً انجام می دهند؛ آنها خیانت می کنند؛ یک عده هم غفلت می کنند. هر روز مسأله سیاسی جدیدی را در کشور ایجاد کردن - به مجلس شورای اسلامی نگاه می کنیم، یک طور؛ به مجموعه های گوناگون دیگر نگاه می کنیم، یک طور - و ذهنها و فکرها را از کاری که باید برای مردم انجام گیرد، منصرف کردن، هیچ مصلحت نیست. همه باید ذهنهای خود را به کارهایی که برای پیشرفت و حل مشکلات کشور لازم است - مسائل معیشتی مردم، مسائل اقتصادی مردم، مسأله اشتغال - منعطف کنند. دستگاهها باید به هم کمک کنند و این کارها را انجام دهند. کار صورت می گیرد، اما باید شتاب بیشتری پیدا کند و همه جانبه شود.<sup>(۱)</sup>

### سرپیچی از وظیفه اصلی و سرگرم شدن به کارهای دیگر، خیانت است

ما به فضل پروردگار مشکلات را برطرف می کنیم و می توانیم دشمن را سر جای خود بنشانیم. دشمن هر چه هم از لحاظ ابزار

---

۱- دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته معلم،

نظامی قوی باشد، در مقابل یک ملت منسجم و مؤمن و دارای امید به آینده، هیچ غلطی نمی تواند بکند. البته ما مسؤولان باید به وظایف خود عمل کنیم؛ دولت و قوه قضائیه و مجلس باید به وظایف خود عمل کنند. هر کس امروز از وظیفه اصلی خود سرپیچی کند و خود را به کار دیگری مشغول و سرگرم سازد و از انجام وظیفه شانه خالی نماید، خیانت کرده است و دچار لعنت ابدی خواهد شد. ما مسؤولان باید روح اسلامی را در خود زنده نگهداریم؛ روح اشرافی‌گری را دور بیندازیم و رشته سودجویی و ثروت‌طلبی و دنبال منافع شخصی دویدن و تجمل پرستی و امثال اینها را از دست و پای خود باز کنیم. اگر گرفتاریهای مادر بخشی حل نشده است، علتش اینهاست؛ اینها را باید اصلاح کنیم.

۶۷

عده‌ای با دستشان به پای خود رشته‌هایی را می‌بندند و گره‌هایی را به وجود می‌آورند؛ خود را از قابلیت استفاده برای این ملت و آرمانهای او می‌اندازند و بعد هم اسلام و نظام اسلامی و احکام اسلامی را متهم می‌کنند. ناجوانمردی از این بیشتر؟! بعضی در دل خود احساس ضعف می‌کنند، یا چشم‌غزه‌های امریکا آنها را می‌ترساند، یا وعده‌های امریکا و امثال امریکا دل ضعیف و ناتوانشان را به خود جذب می‌کند؛ لذا به سمت امریکا می‌کشند. آن‌گاه ملت و جوانان مؤمن و مدیران باایمان و باصفای کشور را متهم می‌کنند که

اینها نمی‌توانند؛ بنابراین ناچاریم برویم تسلیم امریکا شویم! کسانی که دم از مذاکره با امریکا می‌زنند، یا از الفبای سیاست چیزی نمی‌دانند، یا الفبای غیرت را بلد نیستند؛ یکی از این دو تاست. (۱)

### ارتباط و مذاکره با آمریکا، خیانت است

ملت ایران آرمانها و مقاصدی دارد که در دنیا هر کس به این مقاصد و نیز به ملت ایران احترام گذاشته و نظام جمهوری اسلامی را قبول کرده، ملت ایران در طول زمان با او مثل یک طرف برابر و مساوی وارد میدان مذاکره و معامله شده است. ما با شوروی هم ارتباط داشتیم، با اروپا و همه دنیا هم ارتباط داریم. مسأله امریکا این است که هویت اسلامی و ملی ما را قبول ندارد و این را به زبان می‌آورد. چرا عده‌ای از مدعیان سیاست و فهم، نمی‌فهمند؟! واقعاً جای تأسف است. حکومتی که این طور صریحاً می‌گوید می‌خواهم علیه نظام اسلامی و خواست ملت ایران عمل کنم و برای براندازی این نظام بودجه می‌گذارد، ارتباط و مذاکره با آن، هم خیانت و هم حماقت است! (۲)

۱- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر، ۱۳۸۱/۳/۱.

۲- دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر، ۱۳۸۱/۳/۱.

## مثل مأموران آمریکایی حرف زدن، خیانت است

البته مردم باید از مسؤولان بخواهند. من موافقم که مردم به وسیله نمایندگان یا علما و سخنگویانشان مطالبه کنند. مطالبه ایرادی ندارد؛ منتها مطالبه یک مسأله است، انعکاس این معنا در ذهن افکار عمومی، که گویا کاری صورت نمی‌گیرد - که سعی بعضیها این است - یک امر دیگر است. امروز متأسفانه بعضیها هستند که به طور آشکار مسائل کلی نظام را همان طور تصویر می‌کنند که امریکا تصویر می‌کند؛ همان‌گونه حرف می‌زنند که مأموران آمریکایی حرف می‌زنند؛ به ملت ایران همان طور نگاه می‌کنند که مأموران آمریکایی نگاه می‌کنند! اینها یا غفلت است یا خیانت؛ از این دو حال خارج نیست. کسانی که بلندگوها و تریبونها در اختیارشان است، باید در حرف زدن و اظهار نظر کردن خود خیلی مراقب باشند و در مقابل دشمنانی که جز خودکامگیهای خود، هیچ چیز نمی‌فهمند، ملاحظه منافع این ملت با عظمت را بکنند.<sup>(۱)</sup>

۶۹

از دست دادن روحیه ایستادگی و تشویق مردم به خروج از آن، خیانت است

اکثر مسؤولان ما، اکثر نمایندگان مجلس ما، اکثر مسؤولان

اجرایی ما، مردمان متدین، علاقه‌مند به انقلاب و آماده برای خدمت به مردمند. این طور خیال نشود که مجلس چنین است یا چنان است؛ نه، مجلس رکن نظام است. البته در داخل مجلس - مثل همه جای دیگر - ممکن است عناصری نفوذ و رخنه کرده باشند؛ حقایق را وارونه کنند؛ فضا را بر کسانی سخت و سنگین کنند؛ آنها را وادار به کار ناشایسته و نامناسبی کنند. اغلب نمایندگان برای خدمت به مردم آماده‌اند؛ وظیفه آنهاست؛ باید هم این کار را بکنند؛ باید هم خدمت کنند. فلسفه وجود بنده و امثال بنده و دیگر مسؤولان، خدمت است. ما نوکر و خدمتگزار مردم هستیم. اعتبار و آبروی ما به این است. اسلام این را برای ما معین کرده است. ما حقی به گردن مردم نداریم؛ مردم به گردن ما حق دارند. با این روحیه و با این نیت، بیست و پنج سال این انقلاب و این نظام سر پا ایستاده است؛ بیست و پنج سال این ملت مثل کوه در مقابل دشمنان توطئه‌گر و حيله‌گر خود مقاومت کرده است. کسانی که این روحیه را از دست بدهند و یا دیگران را به خروج از این روحیه تشویق کنند، به ملت خیانت کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

## متهم کردن نظام اسلامی به نیابت از دشمنان، خیانت واضح است

اینهایی که می‌بینید گوشه و کنار، بدون هیچ قید و بندی، بدون هیچ ملاحظه‌ای، نظام اسلامی را، دستگاه جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند؛ هرچه از دهنشان در می‌آید، به نیابت از دشمن می‌گویند؛ برای اینکه اگر صدای دستگاه‌های تبلیغاتی جبهه ضد اسلام و صهیونیستها و آمریکائیاها به گوش کسی نرسید، اینها جبران کنند و همان حرفهای آنها را به گوش مردم برسانند، اینها به ملت خیانت می‌کنند؛ این در حقیقت یک خیانت واضح است. مردم را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسؤولین، نسبت به خدمتگزاران بدبین کردن، فضای یأس آلود به وجود آوردن، یکی از این راههاست.<sup>(۱)</sup>

۷۱

### عدم مقاومت در برابر فشارها، خیانت است

امروز کشورهای پیشرفته دنیا بیشترین یا سهم مهمی از انرژی برق خودشان را از نیروگاههای هسته‌ای تولید می‌کنند، نه از نفت که هم سرمایه دودزاست، و هم تمام شدنی و هم قابل تبدیل به چیزهای بسیار ارزشمندتر از سوخت. آنها که می‌خواهند ملتهای دارای نفت را از این موهبت محروم کنند، می‌گویند شما که نفت دارید، دیگر به

---

۱- دیدار با مردم اصفهان در روز عید قربان، ۱۳۸۹/۸/۲۶.

انرژی هسته‌یی چه نیازی دارید؟ مگر باید نفت را تمام کنیم، بعد دست به طرف شما حتماً دراز کنیم! سرنوشت ملت‌ها نیاز به شماس‌هاست؟ آنها می‌گویند نفت را مصرف کنید، بعد دست‌تان که خالی شد، محتاج ما شوید؛ بیا بید در خانه ما. ملت ما نمی‌خواهد این را قبول کند و ما باید به سمت انرژی هسته‌یی برای تولید برق برویم؛ این نیاز کشور ماست؛ باید به این راه برویم، و الا عقب‌ماندگی‌های یکی دو قرن گذشته باز هم مضاعف خواهد شد و آن وقت یک قرن دیگر این ملت را عقب می‌اندازند. بنابراین رفتن دنبال این کار وظیفه ملی است. وقتی که دنبال این کار می‌رویم، بایستی قضیه را بومی کنیم و اگر بومی نکنیم، باز همان وابستگی و باز همان نیاز است. وقتی می‌خواهیم وابسته نباشیم و کار بومی باشد، البته فشار هست. باید در مقابل فشارها مقاومت کرد. آنهایی که نفهمیده علیه این فکر حرف می‌زنند، نمی‌فهمند و ملت‌ت نیستند که دارند به این ملت خیانت می‌کنند و همان چیزی را که امریکا می‌خواهد، بیان می‌کنند و بر زبان می‌آورند: چه لزومی دارد؟ چه احتیاجی داریم؟ ولش کنیم! بله، معلوم است که آنها دلشان می‌خواهد ما هیچ چیز تولید نکنیم و غذای حاضرمان را هم از آنها بگیریم؛ به شرطی که پول داشته باشیم. وقتی هم نداشتیم، اگر ملت از گرسنگی بمیرند، آنها که ابایی ندارند؛ چون هزار هزار می‌کشند و از مردن هزار هزار و میلیون میلیون هم هیچ باکی ندارند.



وظیفه ملی ما امروز این است که دنبال این فناوری و فناوریهای مشابه، هر چه که ما را به اوج قله علم نزدیک کند، برویم و امروز دنبال کردن آن برای ملت ما واجب است و برای کسانی که می‌توانند، وظیفه آنهاست تا بتوانند ملت را به عزت برسانند و از وابستگی رها کنند.<sup>(۱)</sup>

## گرفتن تسهیلات و استفاده از آن در جای دیگر، خیانت است

از ابعاد مختلف، کارهای گوناگونی باید انجام بگیرد: مسأله تقویت مهارتها در محیط کار، مسأله نگرشهای درست مدیریتی، مسأله توانمندسازی نیروی کار، مسأله ایجاد احساس امنیت؛ هم برای کارگر، هم برای سرمایه‌گذار - یعنی برنامه‌ها، قوانین و مقررات باید جوری باشد که هم کارگر احساس امنیت کند و خاطر جمع باشد، هم سرمایه‌گذار احساس امنیت کند - مسأله مواجهه درست با اخلاقیات اقتصادی. یکی از اخلاقیات اقتصادی، سوءاستفاده‌های گوناگون از سرمایه‌های ملی است؛ از ذخائر متعلق به مردم در بانکهای کشور است. کسانی با یک نامی از تسهیلات استفاده می‌کنند، اما در جای دیگری مصرف می‌کنند؛ این خیانت است، این دزدی است. گاهی دزدی از کیسه یک

نفر است، گاهی دزدی از کیسهٔ یک ملت است؛ این سنگین تر است. با این اخلاصها باید مواجهه بشود.<sup>(۱)</sup>

## دعوت به کم‌کاری و اعتصاب، خیانت به کشور و جمهوری اسلامی است

در سراسر کشور، آنهایی که مشغول یک کار تولیدی هستند، اینها امروز هر کاری بکنند برای کشور خودشان و برای ملت خودشان است؛ و باید با کمال فداکاری کارها را انجام بدهند، و حفظ نظم در همه جا بکنند. و اگر خدای نخواستہ اشغالگران و کسانی که می‌خواهند در این کارخانه‌ها یک جنجالی بپا کنند، آنها را نپذیرند و از تبلیغات سوء آنها بر حذر باشند. امروز دعوت به بی‌کاری و کم‌کاری و دعوت به اعتصاب؛ خیانت به این کشور است و خیانت به جمهوری اسلامی.

امروز مثل دیروز نیست که دعوت می‌شدید شما به اعتصاب. آن اعتصاب، سرنوشت ساز بود و آن کم‌کاری، سرنوشت ساز بود. شما را می‌گفتند که اعتصاب کنید تا چپاولگران را از کشور خودتان دور کنید، و بحمدالله عمل کردید و به نتیجه رسیدید. امروز عکس آن روز است. دعوت به اعتصاب، دعوت به کم‌کاری، دعوت به جنجال، دعوت

---

۱- بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش، ۱۰/۲/۱۳۹۱.

به کارهای مخالف اسلام، به ضرر خود شما و به ضرر کشور شما هست. پس شما باید بیدار باشید و همه کارکنان و کارمندان در هر جای از کشور هستند باید بیدار باشند که دعوتهای به اعتصاب را، دعوتهای به کم کاری و بی کاری را، دعوتهای به جنجال و امور خلاف نظم را نپذیرند. کنار بزنند آن اشخاصی را که می خواهند شما برای ملتتان کار نکنید. این یک امر کلی است برای همه شما.<sup>(۱)</sup>

## ممانعت از تولید و سازندگی و پیشرفت علمی، خیانت است

۷۵

عمال اجانب باز در ایران هستند؛ در آذربایجان شما هست، در کردستان هست، در تهران هست؛ همه جا منتشرند با صورتهای مختلف، اسمهای مختلف؛ لکن برنامه واحد. و آنکه نگذارند آرامش پیدا بشود، نگذارند دهقانهای ما به زراعت خودشان ادامه بدهند، نگذارند کارخانه‌ها به کار خودشان ادامه بدهند. علامت خائنها، که دسته‌های مختلفند، این است که - بخواهید بشناسید آنها را - این است که مانع بشوند از کشاورزی، علامت خیانت است؛ مانع بشوند از کار کارخانه‌ها که به صلاح ملت است، این علامت خیانت آنهاست. علامت این است که اینها عمال اجانب هستند. نگذارند دانشگاهها به

---

۱- صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۶.

کار خودشان ادامه بدهند، این علامت این است که خائن هستند. تظاهرات بیجا بکنند و مردم را وادار به تظاهر بکنند، بدون اینکه خود ملت و بزرگان ملت راضی باشند، این علامت این است که خائن هستند. شما خائنها را با این علامتها بشناسید، و دست آنها را کوتاه کنید.<sup>(۱)</sup>

## سازش با شرق و غرب و خودباختگی، خیانت به اسلام و مسلمین است

۷۶

ملت عزیز ایران، شما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار را به وحشت انداخته، هیچ‌گاه با هیچ قدرتی سازش نکنید که یقین دارم نمی‌کنید. و هرکس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت بی‌محابا و بدون هیچ ملاحظه او را از صفحه روزگار براندازید، که سازش با شرق و غرب خودباختگی است و خیانت به اسلام و مسلمین است. امروز روز شهادت و خون است؛ و ما هر روز انتظار همه‌گونه توطئه را در سراسر ایران داریم. ولی مکتب اسلام عزیزمان دستور می‌دهد تا دست از آزادیخواهی و استقلال طلبی برداریم و ما نیز برنخواهیم داشت.<sup>(۲)</sup>

---

۱- صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۵۱.

۲- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

## تخریب دولت، خیانت است

ما امروز در مقابله با استکبار، در سیاست خارجی زبانمان زبان طلبگاری، عزت، اقتدار معنوی و اقتدار ملی است؛ آن وقت بعضی بیایند همین را به عنوان نقطه ضعف وانمود کنند که نه آقا! شما کاری کرده‌اید که فلان دولتها از شما خوششان نیاید. خوب، معلوم است که خوششان نمی‌آید. فلان دولتها آن وقتی خوششان می‌آید که انسان تملق آنها را بگوید و حرفهای آنها را به عنوان حرفهای برتر ذکر بکند؛ خودش را کوچک کند و از حرفهای خودش و حرفهای انقلاب عقب‌نشینی کند؛ آن وقت آنها خیلی خوششان می‌آید! انتقاد خوب است، تخریب بد است؛ انتقاد خدمت است، تخریب خیانت است؛ نه خیانت به دولت، بلکه خیانت به نظام و خیانت به کشور است. نباید تخریب بکنند، انتقاد بکنند.<sup>(۱)</sup>

## مصالحه کردن حج با سیاستهای جهانی، خیانت به حج

است

برائت را ما از بیرون نیاورده‌ایم وارد حج کنیم. جزو حج، روح حج و معنای واقعی اجتماع عظیم حج است. بعضی اشخاص دوست می‌دارند که در مطبوعات و در اظهارات و نیش زدنهای خود در اطراف

---

۱- دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.

دنيا، مرتب بگویند: «شما حج را سیاسی کرده‌اید.» «حج را سیاسی کرده‌اید» یعنی چه؟! اگر منظور این است که ما یک مفهوم سیاسی را در حج داخل کرده‌ایم، باید گفت: حج، هیچ‌گاه عاری از مفهوم سیاسی نبوده است. اگر کسی مفهوم سیاسی را در حج نبیند، باید دعا کرد که خدا او را شفا دهد تا بتواند ببیند! کسی که با اسلام و آیات حج در قرآن آشناست و هم از این طریق به اهمیت وحدت پیبرده است، چطور ممکن است نفهمد این اجتماع عظیم، برای مقاصد و مفاهیم عالی سیاسی و الهی - سیاسی است که مربوط به همه مسلمین و برای وحدت و برای حلّ مشکلات دنیای اسلام و برای اجتماع دلها و نزدیک شدن آنها به یکدیگر است؟! اگر مراد این است که «حج وسیله‌ای برای پیشبرد سیاستهای ظالمانه قدرتهای بزرگ نشود»، درست است و ما قبول داریم. کسانی که به نحوی با حج ارتباط دارند، نباید این فریضه الهی و این واجب مورد عشق و محبت مسلمین را با سیاستهای جهانی مصالحه کنند. ما این را قبول نداریم. هر کس حج را به این معنا سیاسی کند، نسبت به حج خیانت کرده است. اما مسائل دنیای اسلام مسائل مهمّی است. این مسائل کجا باید مطرح شود؟ مسلمین جز در مراسم حج، در کجا می‌توانند صدای واحد خود را در اعتراض به این همه نامردمی که در سرتاسر دنیا نسبت به آنها صورت

می‌گیرد، به گوش دنیا و سیاستهای خائن برسانند؟<sup>(۱)</sup>

### سازش با صهیونیسم، خیانت است

آن کسانی که اسرائیل را تغذیه می‌کنند، در جبهه اسرائیل هستند. آن کسانی که به هر نحوی از انحاء به اسرائیل کمک می‌کنند، در جبهه اسرائیل هستند. آن کسانی که با صهیونیستها مذاکره می‌کنند، در جبهه اسرائیل هستند. مبارزه برای استنقاذ سرزمین فلسطین، باید معنای حقیقی مبارزه را داشته باشد. مبارزه، نقطه مقابل سازش است. در این مسأله، سازش خیانت و مبارزه وظیفه است. هیچ‌کس سازش را به حساب مبارزه نگذارد.<sup>(۲)</sup>

۷۹

### تسامح در پیش‌برد انقلاب فرهنگی در دانشگاهها، خیانت عظیم است

مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می‌باشد، اعلام شده است و تاکنون اقدام مؤثر اساسی انجام نشده است و ملت اسلامی و خصوص دانشجویان با ایمان متعهد، نگران آن هستند و نیز نگران اخلال توطئه‌گران که هم

---

۱- دیدار با مسؤولان و دست‌اندرکاران حج، ۱۳۷۳/۱/۳۱.

۲- دیدار با شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین، ۱۳۶۹/۹/۱۳.

اکنون گاه‌گاه آثارش نمایان می‌شود و ملت مسلمان و پایبند به اسلام خوف آن دارند که خدای نخواستہ فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد، و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کارفرمایان بی‌فرهنگ، این مرکز مهم اساسی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند، که از دستاوردهای دانشگاهها به خوبی ظاهر می‌شود که جز معدودی متعهد و مؤمن که علی‌رغم خواست دانشگاهها در خدمت کشور و اسلام بودند، دیگران جز ضرر و زیان چیزی برای کشور ما بار نیاوردند؛ و ادامه این فاجعه که مع الأسف خواست بعضی گروههای وابسته به اجانب است، ضربه‌ای مهلک به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد، و تسامح در این امر حیاتی، خیانت عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است.<sup>(۱)</sup>

## مطبوعات و صدا و سیما (رسانه‌ها)

تیره و تار نشان دادن فضای کشور بطور عمد، خیانت است  
مطبوعات هم سعی نکنند فضا را تیره و تار نشان دهند. یک وقت  
تذکر به دولت و تذکر به مسؤولان و نصیحت کردن است، اینها خوب  
است؛ اما یک وقت تیره و تار جلوه دادن افق و فضاست، این بد و



خطاست. اگر عمداً صورت گیرد، خیانت است. فضا و افق آینده کشور، تیره و تاریک نیست؛ روشن است. ملت ما زنده و بیدار و عازم و مصمم است و مسؤولان ما علاقه‌مند و وظیفه‌شناس و خودیاند. اگر چند صباحی در گوشه‌ای در رده‌های دوم یا سوم، آدمهای نامطمئن و غریبه‌ای هم باشند، باید با آنها برخورد شود؛ باید خود مسؤولان و دستگاههای مختلفی که مسؤولند، با آنها برخورد کنند.<sup>(۱)</sup>

## عادی‌سازی فضای بین آمریکا و ایران، خیانت به مردم است

۸۱

این که بعضی بردارند طبق میل دل کارشناسان سیای امریکا، دم از نزدیکی و مذاکره و ارتباط بزنند و فضا را عادی سازی کنند، این بزرگترین توهین و خیانت به این مردم است. اگر قرار است سخن از رفع دشمنی دشمنان سوگند خورده بر زبان آورد، باید آن روزی باشد که این کشور از لحاظ اقتصادی پایه‌های خودش را مستحکم کرده باشد؛ محرومیتها را رفع کرده باشد؛ این نسبت بیکاری را از بین برده باشد؛ آینده جوانها را روشن کرده باشد؛ جوان تحصیل کرده و فارغ التحصیل دغدغه معاش و دغدغه کار نداشته باشد؛ از لحاظ مسائل فرهنگی این کشور بتواند هنرمندانی تربیت کند که بر طبق

---

۱- دیدار با جمعه از کارگران و معلمان، ۱۳۸۱/۲/۱۱.

منافع و مصالح ملی، سینمای کشور را اداره کنند؛ هنر کشور را اداره کنند؛ مطبوعات کشور را اداره کنند. اگر این طور شد، آن وقت نوبت این خواهد رسید که برای رفع دشمنی فکر کنیم؛ و آلا در غیر آن صورت، هرگونه نزدیک شدن به دشمن، هرگونه نرمش نشان دادن در مقابل دشمن، تیز کردن آتش دشمنی و ستمگری دشمن است.<sup>(۱)</sup>

### انعکاس آنچه دشمن می خواهد توسط مطبوعات و رسانه‌ها، خیانت است

در بخش آگاهی‌رسانی هم مسأله بسیار مهم است. در نماز جمعه، مردم باید با جریانات و مسائل جهان اسلام آشنا شوند و حقیقت را بفهمند. این مطلب همیشه همین طور بوده است، اما امروز از همیشه مهمتر است؛ چرا؟ چون دستگاه‌های سلطه‌طلب و مستکبران دنیا پول خرج می‌کنند برای این که بتوانند حرف دروغ و شایعه پراکنی و فریب و ترفندهای گوناگون تبلیغی خود را به گوش مردم دنیا برسانند و افکار آنها را از راه حق منحرف کنند. چقدر در دنیا خلاف حق گفته می‌شود! رادیوهایی که این طور پول خرج می‌کنند و بودجه‌های دولتی برای آنها می‌گذارند، برای این است که افکار مردم را در نقطه یا نقاطی از دنیا از جاده حقیقت منحرف کنند و مطالب را به آنها وارونه

۱- دیدار با گروه کثیری از جوانان استان اردبیل، ۱۳۷۹/۵/۵.

تحويل دهند و چون انسان دنبال تشخیص و فهم خود راه می‌افتد، فهم مردم را عوض کنند تا مسیر آنها عوض شود. در چنین شرایطی، آگاه کردن مردم خیلی مهم است.

این‌که بنده مکرر به مطبوعات و رسانه‌ها توصیه می‌کنم که با مسائل کشور مسؤولانه برخورد کنند، به خاطر همین است. دشمن می‌خواهد مطالب خود را در بین مردم به‌دروغ و فریب منتشر کند. ما نباید عامل دشمن شویم و کار دشمن را آسان کنیم و همان چیزی را که او می‌خواهد در فضای فکری و فرهنگی جامعه ما به وجود آورد، در داخل کشور به وسیله مطبوعات، رسانه‌ها و تریبون‌ها به خورد مردم دهیم. این خطای بسیار بزرگی است. اگر عمداً و با توجه صورت گیرد، خیانت بزرگی است و اگر از روی غفلت باشد، خطای بزرگی است. باید خیلی آگاه و مراقب بود. امروز شگرد سلطه‌طلبی آمریکا و دستگاه‌های جهنمی صهیونیستی در دنیا همین است. شما ببینید در فلسطین اشغالی بدترین جنایتها و هولناکترین کشتارها را علیه مردم مظلوم و مغضوب فلسطین انجام می‌دهند؛ اما در افکار عمومی، فلسطینی را ظالم، و مهاجم و جلاّذ فلسطینی را مظلوم جلوه می‌دهند! امروز این‌گونه از تبلیغات بهره می‌برند. دشمنان علیه هر چیزی که با سلطه‌طلبی و منافع نامشروع آنها تقابل داشته باشد، تبلیغات می‌کنند. در داخل کشور ما هم همین‌طور است. راهی که

اینها برای مقابله با این ملت بزرگ و عظیم الشان و این نظام و کشور عزیز ما در پیش گرفته‌اند و تشخیص داده‌اند، همین تبلیغات است. (۱)

### تبدیل ایستادگی در مقابل آمریکا به نرمش در مقابل او، خیانت است

کسانی که دلشان آن طرف است، الان هم هستند. اینها به چیزی به نام استقلال ملی، هویت ملی، شخصیت و عزت ملی باور ندارند. تربیت‌هایشان طوری است که به آنها اجازه نمی‌دهد درست بفهمند که حضور یک قدرت استکباری در یک کشور، چقدر برای یک ملت، زیانبار و سنگین است. دستورات اسلام هم برای بعضی از آنها چندان اهمیت و ارزشی ندارد. اینها همیشه یک اقلیت کوچک بودند؛ امروز هم هستند. البته فعالیت می‌کنند، تبلیغات می‌کنند، تبلیغات دشمنان اسلام را ادامه می‌دهند؛ اما دل متن مردم، بخصوص جوانان - دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر قشرهای مختلف جوان - هر جا هستند، درک می‌کنند که برای یک ملت، بزرگترین اهانت این است که تسلیم قدرت استکباری بیگانه باشد. هر کس که اهل تحلیل باشد، این معنا برایش روشن است که امروز آمریکا برای ایران هیچ نقشه‌ای

جز نقشه استکباری ندارد؛ یعنی بازگشت به وضعیت قبل از انقلاب! معلوم است که ملت ایران در مقابل این نقشه می ایستد. این، آن جهتگیریِ ضد استبدادی ملت ایران است. البته تلاشهایی از طرف دشمنان هست: تبلیغات می کنند، حرف می زنند، سفسطه می کنند؛ بعضی حتی سعی می کنند روز سیزده آبان را - که روز مقاومت در مقابل استکبار است - به روز نرمش در مقابل امریکا تبدیل کنند! اگر نگوییم ساده لوحی است، ناچاریم بگوییم خیانت است؛ منتها چون انسان نمیخواهد بگوید خیانت، لابد این کارها از روی ساده لوحی و غفلت است. شما جوانان باید خیلی هوشیار و بیدار باشید؛ باید اهداف دشمن را بشناسید. امروز قدرت استکباری امریکا هدفش تسلط بر دنیاست و این چیزی نیست که پنهان و پوشیده باشد. حتی دولت‌های اروپایی از تهاجم فرهنگی و از دخالت و از نفوذ مداخله جویانه پول امریکا گله دارند. مسأله، مسأله تصرف و دست اندازی است. البته کشورهایی هستند که نمی توانند مقاومت کنند و بایستند؛ اما ملت ایران ایستاده است. آن طرف مقابل هم تهدید می کند، تطمیع می کند، چرب زبانی می کند، تبلیغات می کند؛ از همه اینها هم یک هدف را دنبال می کند، تا این که راهی بگشاید و مجدداً وارد کشور ایران شود و دوباره بساطش را پهن کند و بتواند آن وضع شرم آور قبل از انقلاب را برای ملت ایران تکرار نماید؛ اما بدون تردید

ملت ایران در مقابل این طمعهای استکباری، با قدرت تمام خواهد ایستاد.<sup>(۱)</sup>

### ناامید کردن مردم از ادامه راه، خیانت است

امروز سعی دنیا این است که ملت ایران را از ادامه راه امیرالمؤمنین و راه اسلام مأیوس کند. من به شما و به همه ملت ایران عرض می‌کنم: امروز بزرگترین جهاد در میدان تبلیغات، این است که کسی بتواند ملت ایران را به عاقبت و فرجام این راه امیدوار کند. هر کس مردم را ناامید کند، به این ملت خیانت کرده است. بهترین راه برای دلسردی کوهنوردی که با شوق از قلّه‌ها بالا می‌رود در حالی که کوله‌پشتیاش را بسته و کمر را محکم کرده و عصا به دست گرفته این است که دروغی جعل کنند و به او بگویند که نمی‌شود رفت و به قلّه رسید. وسط راه، فلان اشکال و فلان مانع وجود دارد. می‌رود که قلّه را فتح کند؛ یعنی هدف دارد. اما تا بفهمد به آن هدف نمی‌شود رسید، دست و پایش سست می‌شود و از همان جا برمی‌گردد.

پانزده سال است تبلیغاتچیهای دنیا - و امروز بیشتر از گذشته سعی می‌کنند ملت ایران را، که می‌رود تا به قلّه برسد، مأیوس کنند. می‌گویند: «آقا، وضع اقتصاد خراب است! آقا، دنیا نمی‌گذارد! آقا،

امریکا نمی‌گذارد! آقا، مردم ناراحتند!» دائم در گوش مردم این چیزها را می‌خوانند؛ آن هم با روشهای تبلیغاتی بسیار زیرکانه. بنده حرفهای اینها را گوش میدهم. حرفهایشان را گاهی مستقیماً گوش می‌دهم و بسیاری اوقات هم می‌نویسند یا ضبط می‌کنند و برایم می‌آورند. من می‌بینم اینها چه می‌گویند. می‌بینم که نشسته‌اند و کلماتی را انتخاب کرده‌اند که مردم این حرف را باور کنند! یک دروغ مسلم را می‌خواهند مردم باور کنند! متأسفانه بعضی در داخل، هر چه حرف می‌زنند برای مایوس کردن مردم است. یا سکوت می‌کنند، یا اگر یک کلمه حرف هم زدند، برای این است که مردم را مایوس کنند! چرا مردم را مایوس می‌کنید؟! چرا به این ملت قدر تمند و شجاع، که می‌تواند راههای دشوار را برود و دشوارترین بخش راه را هم تا کنون رفته است می‌گویید: «نمی‌توانید به حکومت و جامعه و نظام عادلانه اسلامی برسید»؟! چرا!! همه راهها را دشمن رفت، بلکه بتواند شما ملت را شکست دهد؛ و نتوانست. همه راهها را رفتند: راه جنگ نظامی، راه محاصره اقتصادی، راه تبلیغات، راه فحاشی، راه تهمت زدن به مسئولین. چقدر تهمتها زدند بعد از این هم، البته خواهند زد کسی باور نکرد. حرفهایی می‌زنند با شواهد دروغین، و مطالبی را ادعا می‌کنند تا مردم را مایوس کنند.<sup>(۱)</sup>

## مغشوش کردن ذهن و امنیت مردم و ایجاد اختلاف بین آنها، خیانت است

امروز کسانی که به رادیوهای بیگانه گوش می‌دهند - که غالب این تحلیلهای غلط هم از رادیوهای بیگانه است - پی می‌برند که متأسفانه آدمهای ساده‌دل، عین همان را که دشمن القا و پول خرج می‌کند تا آن را به ذهنهای مستمعین خود برساند، قبول می‌کنند! اگر کسی به این رادیوها گوش بدهد، خواهد دید که غوغا می‌کنند تا ثابت کنند الان در نظام جمهوری اسلامی، اختلاف، دودستگی، دو جریانی و دشمنی هست و همدیگر را تحمّل نمی‌کنند!

بیچاره‌ها! نه ملت ایران را شناختید، نه انقلاب را شناختید، نه روحانیت را شناختید، نه مسؤولان را شناختید! با همین جهل و بیخبری بود که در انقلاب، شکست خوردید! با همین جهل و تحلیل غلط بود که هجده سال است شکست می‌خورید! به فضل الهی، با همین اشتباهی که میکنید، در این دفعه هم به دست مردم شکست خوردید و تا آخر، همیشه شکست خواهید خورد!

دشمن سعی کرد بگوید دو جریان است که با هم مخالفند، و بر سر اختیارات، با هم اختلاف دارند. نخیر؛ ایشان در مصاحبه، قشنگ تشریح و روشن کردند. معلوم شد که روابط، کاملاً تعریف شده و مشخص است. همه می‌دانند که تکلیف و وظیفه‌شان چیست و با



همکاری و محبت، کارهای خودشان را پیش می‌برند. دشمن، این‌جا ناکام شد! بعد هم بزرگان و مراجع عظام قم ایستادند. یکی از برکات مهم الهی برای این کشور، وجود مراجع آگاه است. مرجع تقلید آگاه، برای مردم از هر نعمتی بالاتر است. مرجع تقلید آگاه، مرجعی که فریب نمی‌خورد، مرجعی که ذهن او را تبلیغات دشمن نمی‌سازد، مرجعی که تحلیل سیاسی خود را از رادیو اسرائیل نمی‌گیرد، خیلی ارزش دارد. دیدید که مراجع، چطور در مقابل این زمزمه‌ها و شایعه‌های دشمن‌ساز، ایستادند؛ بعد هم حوزه و روحانیت قم، بعد هم شهرهای مهم و مختلف کشور، موضع خودشان را مشخص کردند. معلوم شد که ملت ایران، بیدار است. انصافاً، هم ملت، هم مسؤولان و هم روحانیون، موضع بسیار خوبی نشان دادند. من از یکایک آنها تشکر می‌کنم؛ نه به خاطر شخص. عزیزان من! این‌جا مسأله شخص نیست. من هم مثل یکی از شما، از نظام اسلامی، از رهبری اسلامی و از ولایت فقیه به عنوان ستون فقرات این نظام، باید دفاع کنم. وظیفه من است. تکلیف شرعی است؛ مسأله شخصی نیست. به خاطر مسؤولیت سنگینی که من دارم، از همه کسانی که در این برهه، قدم در میدان گذاشتند تا حرف دشمن را در گلوئی او خفه کنند و مشت به دهان دشمن بکوبند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

همین‌جا می‌خواهم از همه خواهش کنم که دیگر این

راهپیماییها را متوقف کنید؛ بس است. وقت برای حضور در صحنه و در میدان، در راهپیمایی برای مسائل و قضایایی که همیشه این ملت با آن مواجه است، بسیار است؛ لزومی ندارد که این راهپیماییها ادامه پیدا کند. در هر جای کشور، من خواهش میکنم دیگر راهپیمایی نکنند. البته گویندگان و نویسندگان، باید ذهنها را روشن کنند. تکلیف هدایت مردم، یک تکلیف الهی است. در این قضیه، ممکن است بعضی تصور کنند که به شخص، ظلم شد. اگر در این مسأله به شخص من ستمی رفته باشد و کسی ظلمی کرده باشد، من از حق شخصی خودم به طور کامل می‌گذرم و هیچ شکایتی از هیچ‌کس ندارم.

البته امام بزرگوار در طول ده سال، خیلی حرفها داشت که بعضی از آنها را به مردم گفتم، خیلی را هم به مردم نگفتم! ما هم حرفهایی داریم که اگر خدای متعال در پیشگاه خودش اجازه نطق داد، با خود او در میان خواهیم گذاشت. لزومی ندارد که انسان همه چیزها را بگوید! من مسأله شخصی در این قضیه ندارم؛ اما از حق مردم مطلقاً اغماض نخواهم کرد.

آن کسانی که خواستند خاطر مردم را مغشوش، ذهن مردم را خراب و امنیت مردم را به هم بزنند، به خیال خود خواستند مردم را در مقابل یکدیگر قرار دهند و صفوف را از هم جدا کنند. اینها به مردم

خیانت کردند، به انقلاب و به کشور خیانت کردند و البته باید در چارچوب قانون با اینها رفتار شود. من خواهش می‌کنم هیچ کار و هیچ حرکت غیرقانونی نشود. هیچ‌کس از آحاد مردم درصدد برنیاید که خودش برود و به خیال خود، کسی را مجازات کند؛ نه، به‌عهده قانون است. البته به هیچ‌وجه نباید انتقام‌گیری کرد؛ انتقام‌گیری چیزی نیست که جایش این‌جا باشد. انتقام را از دشمنان مستکبر، در جای خود باید گرفت. کسانی که از روی نادانی، نفهمی، هوای نفس زودگذر، هواهای بشری ناشی از خصال زشت و بد و حسد و غیره، اقدامی می‌کنند، شایسته این نیستند که کسی به فکر انتقام‌گیری از آنها بیفتد؛ لیکن قانون باید اجرا شود. اگر این کارهایی که بعضی کردند و می‌خواهند باز هم ادامه بدهند - من اطلاع دارم که باز هم برای آینده، برنامه‌هایی دارند - غیرقانونی است و اگر خیانت به مردم است - که هست - باید مسؤولین اجرایی و قضایی، وظایف خودشان را درباره اینها انجام دهند. البته من اطلاع دارم که انجام هم خواهند داد و هیچ‌گونه سستی‌ای در این زمینه وجود نخواهد داشت.<sup>(۱)</sup>

**ناامید کردن مردم به آینده کشور، خیانت است**

اگر کسی می‌نشیند و یک سلسله نوشته را در ظرف ده روز، یا

بیست روز جور می‌کند و تدریجاً در روزنامه‌ای نشر می‌دهد، هدف آن نوشته این است که در مجموع - در پایان کار - مردم را نسبت به آینده خود ناامید سازد و وضعیت کشور را آن‌چنان بد تصویر کند که برای هیچ‌کس نشاط کار کردن باقی نماند. این توطئه است. اگر کسی دستگاه‌های مسؤول در کشور را با دروغ، با بیان مطالب خلاف و یا بیان نکردن بخش‌های مهمی از حقیقت، طوری معرفی کند که برای جوانی که در دانشگاه درس می‌خواند، برای جوانی که در کارگاه کار می‌کند، اصلاً امید و نشاطی به آینده باقی نماند - بگوید آقا، چه فایده دارد ما کار کنیم - این خیانت نیست؟! اگر کسانی بنشینند بنویسند و اصل مشروعیت نظامی اسلامی را که با این همه خون و فداکاری به دست آمده است، زیر سؤال ببرند، اینها توطئه است، اینها دشمنی کردن است؛ این بیان حرف مخالف‌خوانی نیست. مخالف‌خوانی یک حرف است، و حرف مخالف زدن یک حرف دیگر است. اگر بخش‌های مختلف، گوشه‌های گوناگون و سیاست‌های مختلف را مورد نقد و انتقاد قرار دهند، چیز بدی نیست. یک کسی حرفی را می‌زند، یک کسی هم جواب او را می‌دهد، قضیه تمام می‌شود؛ اما اگر کسی بخواهد با نوشته خود، اساس و پایه‌های اصلی نظام را، آینده این ملت و کشور و مشروعیت این نظام را در ذهن مردم متزلزل کند، این خیانت و براندازی است. دشمنی و براندازی، یک حرف است و حرف مخالف

زدن یک حرف دیگر است. انسان، دست دشمنان را به طور صریح می‌بیند.

این را هم شما بدانید، یکی از مهمترین ابزارهای نفوذ استکباری، همین رادیوهای بیگانه است! خرجهای زیادی می‌کنند، پولهای می‌گذارند و سرمایه‌گذاری می‌کنند. من در یکی دو سال گذشته در خصوص این‌که امریکا و صهیونیستها و جهان‌خواران اقتصادی دنیا چگونه به این رسانه‌های جمعی تکیه کرده‌اند، شرح مفصّلی دادم. در نماز جمعه بحث کردم که چطور شده است که اینها می‌خواهند از این طریق در ملتها نفوذ کنند. رسانه‌های جمعی ابزار کار آنهاست. در داخل هم یک عده می‌آیند و با اینها هم‌صدا می‌شوند!

البته همه کسانی که در این میدان، کار خلاف می‌کنند، دشمنان نیستند؛ این هم معلوم باشد. بعضی هم دوستان نادانند، بعضی خودیهای غافلند. من از خودیها مصرّاً می‌خواهم قدری ذهن خودشان را باز کنند و فکر خودشان را به کار بیندازند؛ بفهمند امروز دشمن کیست، چه می‌خواهد و چه می‌کند - و نقشه دشمن چیست - عقل، این است. شما در جبهه جنگ باید بدانید که آیا این جهتی که تیراندازی می‌کنید، بمباران می‌کنید، همان جایی نیست که دشمن می‌خواهد بمباران شود؟ چرا شما کار دشمن را به عهده می‌گیرید؟! چرا جاده دشمن را هموار می‌کنید برای این‌که بتواند نیروهای خودی

را دور بزنند؟! مسأله این است. تأکیدی که ما همیشه می‌کنیم بر این‌گونه افراد، قدرت تحلیل سیاسی داشته باشند، برای این است که این‌گونه اشتباهات را نکنند. البته دشمنان نقابدار، دشمنان دورو و منافق، دشمنانی که حتی جرأت ظاهر شدن هم ندارند، پشت عناصر صادق و سالم و احیاناً ساده، خود را پنهان می‌کنند! آنها را باید شناخت و هشدارشان داد. امروز کشور و ملت، احتیاج دارد به این‌که مردم، تیزبین و هوشیار باشند، بیدار و دشمن‌شناس باشند و بفهمند دشمن چه می‌کند. الان ببینید تمام رادیوهای بیگانه و مطبوعات خارجی و خبرگزاریها، دست به هم داده‌اند برای این‌که انتخابات مجلس خبرگان را سست کنند. مسأله از نظر آنها این نیست که چه کسی انتخاب خواهد شد و چه کسی نخواهد شد؛ این برای آنها درجه دوم است. در درجه اول، آنچه برای آنها اهمیت دارد، این است که مردم پای صندوقها حاضر نشوند. این را خوب فهمیدید؟ انسان آگاه در جامعه ما - دارای هر فکری، هر جناحی و هر جهتی - این را می‌فهمد. خوب؛ باید در مقابل این بایستد.<sup>(۱)</sup>

### آزادی غیر محدود به اسلام، خیانت است

امروز کسانی، با مستمسک قرار دادن چیزهایی که خودشان هم

۱- دیدار با جمعی از مسؤولان جهاد سازندگی، ۱۵/۷/۱۳۷۷.

آنها را قبول ندارند، به جنگِ ایمان مردم آمده‌اند و می‌آیند و عده‌ای هم به صورت فریب خورده و غافل به اینها نگاه می‌کنند. بعضی هم متأسفانه آنها را کمک می‌کنند. در دایره معتقدین به انقلاب، همه اختلافات قابل حلّ است. کسانی که انقلاب را قبول دارند، امام را قبول دارند، اسلام را قبول دارند، حرکت در راه خدا را قبول دارند، اخلاص را قبول دارند، فداکاری را قبول دارند، ایثار را قبول دارند، هرگونه اختلاف سلیقه، اختلاف سیاسی و اختلاف بینشی در هر نوع از مسائل کشور داشته باشند، قابل حلّ است و مشکلی نیست. مشکل آن جا بروز می‌کند که کسانی که اسلام را قبول ندارند، امام را مطلقاً قبول ندارند، این نظام را قبول ندارند، از اوّل تا توانستند با این نظام جنگیدند و وقتی رفتند در خانه‌هایشان نشستند که دیدند دیگر سلاح‌هایشان گُند شده است، اینها بیایند پشت سر کسی یا پشت سر جمعی پنهان شوند، و شروع کنند به ایمان مردم دست‌اندازی کردن و آن را هدف قرار دادن.

این، قابل قبول نیست. من می‌بینم که بعضی از مطبوعات کشور، متأسفانه دستخوش چنین بحرانی هستند. باید خودشان را نجات دهند. هم دستگاه‌های فرهنگی کشور موظّفند، هم دستگاه‌های امنیتی و هم دستگاه‌های قضایی. ما به آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی معتقدیم. اصلاً این مفاهیم و این حقایق را

انقلاب و پیشروان انقلاب به این کشور آوردند. قبلاً این چیزها در این کشور نبود. از آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی، نه خبری بود و نه حتی اسمی بود. اینها را انقلاب برای این کشور آورد. امام اینها را به این کشور هدیه کرد و خون شهدا این ارزشها را به این کشور بخشید. کسانی که پاسدارِ خون شهدا هستند و کسانی که پیرو امامند، علمداران این مفاهیمند. در این که شکی نیست! اما این آزادی، محدود است و آزادی مطلق نیست. حدّش کجاست؟ حدّش عبارت است از حدودی که اسلام تعیین کرده است. اگر بنا شود که کسانی مردم را به بیایمانی و به شهوات سوق دهند، در این کار، آزاد نیستند. این آزادی، آزادیِ خیانت است. اگر قرار شد کسانی بنشینند و توطئه کنند و این توطئه را به شکلی در نوشته‌ای منعکس کنند، این آزادی توطئه است و مردود است. بنده منتظر میمانم ببینم که دستگاه‌های مسؤول چه می‌کنند، والا، جلوگیری از این حرکات مودیانه، کارِ دشواری نیست. فکر این را هم که «دنیا چه می‌گوید» و «روزنامه‌ها و سازمانهای دنیا چه می‌گویند»، هیچ وقت ما نکرده‌ایم و نباید بکنیم. این سازمانهای جهانی و این مطبوعات دنیا، همان کسانی هستند که شما دیدید امام بزرگوار ما را که در جمال معنوی، یک شخصیت واقعاً استثنایی بود - پرچمدار یک انقلاب بزرگ، رهبرِ محبوبِ یک ملت، دارای خصوصیات ویژه‌ای که هرکس یکی از آن



خصوصیات را داشته باشد، دستگاههای فرهنگی دنیا برای او احترام قائلند: فیلسوف، عارف، فقیه و حقوقدان، شاعر و هنرشناس - چگونه تلقی میکردند و چگونه معرفی مینمودند و الان چگونه معرفی می‌کنند! (حالا چون چند سال گذشته است، دیگر به امام کمتر می‌پردازند.) همان مطبوعات و سازمانها، فتنه‌گرانی از قبیل این سفاکین - طالبان - را با شگردهای مطبوعاتی و تبلیغاتی، با نوع عکسی که می‌اندازند، با نوع کاریکاتوری که میکشند و با نوع خبری که تنظیم می‌نمایند، ترویج می‌کنند. اینها، چنین آدمهایانند! مگر می‌شود به فکر حرفهای اینها بود؟! مگر برای مصالح کشور و مصالح یک ملت، باید منتظر این حرفها ماند؟!<sup>(۱)</sup>

۹۷

### ترویج موسیقی، خیانت است

اینکه می‌گویند که اگر چنانچه موسیقی در رادیو نباشد آنها می‌روند از جای دیگر می‌گیرند موسیقی را، بگذار بگیرند از جای دیگر، شما عجلتاً آلوده نباشید؛ آنها هم کم کم برمی‌گردند به اینجا. این عذر نیست که اگر موسیقی در رادیو نباشد، آنها می‌روند از جای دیگر موسیقی می‌گیرند. حالا اگر از جای دیگر موسیقی بگیرند، ما باید به آنها موسیقی بدهیم؟! ما باید خیانت بکنیم؟! این خیانت است

---

۱- بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج، ۱۳۷۷/۶/۲۴.

به یک مملکتی، خیانت است به جوانهای ما. این موسیقی را حذفش کنید بکلی، عوض این یک چیزی بگذارید آموزنده باشد. کم کم مردم را و جوانهای ما را عادت به آموزندگی بدهید؛ از آن عادت خبیثی که داشتند برگردانید. اینکه می بینید که جوانها اگر این نبود می روند سراغ موسیقی دیگر، برای این که اینها عادت کردند! این شاهد بر این است که جوانهای ما فاسد شدند. الآن ما موظفیم که این نسلی که فاسد شده برگردانیم به صلاح و نگذاریم این کوچکهای ما فاسد بشوند، اینها را جلوی ما بگیریم، باید جدّ باشد این مسائل. اختلاط زن و مرد در اطراف دریا از همان نقشه ها بوده است، باید مردم جدّیت کنند خودشان جلو بگیرند. و دستگاههای انتظامی و حکومتها و اینها جلوگیری نکنند، خود مردم جلوگیری نکنند. رادیو این معنی را تبلیغ نکند که نباید این طور بشود، مفاسدش را به آنان بگوید.<sup>(۱)</sup>

### پخش مسائل انحرافی در رادیو و تلویزیون، خیانت است

و من از همه شما تقاضا دارم به اینکه برنامه هایتان را اصلاح کنید. برنامه هایی باشد که مفید باشد برای جامعه. برنامه هایی باشد که مسائل [و] مشکلات جامعه را بگوید. از برنامه های انحرافی پرهیز نکنید. گاهی من می بینم که در رادیو هست چیزهایی که انحرافی

است، و مع الأسف آن انحرافی را چند دفعه می‌گذارند؛ و آن چیزی که صحیح است یا نمی‌گذارند، و یا منحرفش می‌کنند و می‌گذارند. خوب، این یک خیانت بزرگی است. ما چه قدر باید به اینها بگوییم! من کرا را گفتم که شما باید خدمت بکنید به این دستگاه، به این کشور؛ نه اینکه یک اشخاص منحرفی را در آنجا راه بدهید که برنامه‌های انحرافی را [درست کنند] اگر یک کسی یک صحبت انحرافی بکند، مکرر، مکرر، تمامش را می‌گذارند. در رادیو می‌گذارند؛ در این رادیو و تلویزیون هم می‌گذارند. همین که یک مسأله انحرافی شد، در رادیو می‌گذارند؛ در تلویزیون هم می‌گذارند. اگر یک کسی جواب این انحراف را بدهد، یا نمی‌گذارند اصلاً؛ و یا اگر بگذارند به طور انحراف می‌گذارند.<sup>(۱)</sup>

۹۹

## عدم توجه به حساسیت زمان در انقلاب و تضعیف مسئولان، خیانت است

بد نیست من این را به شما بگویم که گاهی بعضیها ایراد می‌گیرند، و آن وقت هم به حضرت امام (رضوان الله علیه) ایراد می‌گرفتند که چرا شما این قدر با مراقبت و دقت و وسواس، از دولت پشتیبانی می‌کنید. من واقعاً از این حرف تعجب می‌کنم. من گاهی برای بعضی از نزدیکان

و دوستان مثال زده‌ام و گفته‌ام که اتومبیلی است که تمام دار و ندار من - فرزندان، عزیزان، ثروت و موجودیم - در آن است و راننده ماهری هم پیدا کرده‌ام که از راه بسیار خطرناکی این اتومبیل را می‌برد. من همه چیزم به این اتومبیل بسته است. اگر یک وقت چیزی هم ببینم که به نظرم ناخوشایند بیاید، کلمه‌یی که یک ذره حواس آن راننده را پرت کند و او را مشغول نماید و نتواند این راه پُرپیچ و خم و خطرناک را به سلامت طی کند و با عافیت به سرمنزل برساند، من مطلقاً آن کلمه را نخواهم گفت، تا خدشه‌یی به این اتومبیل وارد نشود. حالا شما می‌گویید که مثلاً چرا ما یک دفعه از این طرف، وزنه‌یی را محکم به این ماشین نمی‌کوبیم و نمی‌گوییم که آقای راننده! این چه نوع رانندگی است؟ یا چرا در فلان نقطه آن طور شد؟ یعنی به دست خودمان، همه چیز نظام را در خطر بیندازیم؟! این خیانت است. آن کسی که از پشت گردنه، یکدفعه جلوی اتومبیل می‌پرد و یک فریاد بیخود می‌کشد، دارد خیانت می‌کند؛ خیال می‌کند که خدمت می‌کند. حالا در این وضع حساس بعد از انقلاب، وقتش نیست.

واقعاً دوازده سال است که ما در نهایت حساسیت حرکت می‌کنیم. من کمتر ملتی را می‌شناسم - حتی ملت‌های انقلابی - که بعد از دوران انقلاب، وضعشان مثل ما حساس بوده باشد. شما به این

انقلابهایی که در زمان ما اتفاق افتاده و ما از آنها خبر داریم، و نیز به آنهایی هم که قبلاً اتفاق افتاده و خوانده‌اید، نگاه کنید. مثلاً ده سال اول بعد از انقلاب این کشور همسایه ما - شوروی - را با ده سال اول انقلاب ما مقایسه کنید. یا مثلاً ده سال اول این همه انقلابهایی که در آفریقا و امریکای لاتین، در طول این چند ده ساله اتفاق افتاده است، مقایسه کنید، خواهید دید که اوضاع هیچکدامشان - هر کدام به دلیلی: اوضاع جهانی، سرگرمی قدرتها و مسایل گوناگون داخلی و خارجی - به حساسیت و خطورت و اهمیت وضع ما نبوده است.

۱۰۱

در چنین وضع حساسی، ما چه طور می‌توانیم رها کنیم و اجازه بدهیم که کسانی همین طور بی‌مسئولیت نقطه‌یی را بگیرند - که به نظر آنها نقطه ضعف است - و به دولت و مسؤولان حمله کنند؟ غرض، در این شرایط، من هرگونه تضعیفی که نسبت به مسؤولان نظام، بخصوص نسبت به دولت انجام بگیرد، خیانت می‌دانم.<sup>(۱)</sup>

**تولید اثر هنری با محتوای ناکارآمدی دولت و نظام، خیانت است**

شما که در روزنامه‌ها مسؤول امور هستید، باید مواظب این مطلب باشید. شما که در سازمان تبلیغات یا در وزارت ارشاد، یادار

---

۱- دیدار با مسؤولان صدا و سیما، ۱۳۶۹/۵/۷.

آموزش و پرورش، یادر آموزش عالی و یا در مؤسسات فرهنگی گوناگون مسؤول امور هستید، باید مراقب این قضیه باشید. البته همه مسؤولند. منظورم از مسؤول، رئیس نیست. «**کلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیتة**».<sup>(۱)</sup> همه مسؤولند. مراقب این معنا باشید.

این ملت، برای این که حیثیتش و کیان حقیقی و انسانی و اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملیاش حفظ شود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن و تهاجم کردن به نقاط ضعف دشمن دارد. این را خودیها می توانند بکنند. من حرفم فقط همین است. من می گویم: اگر می خواهید هنر این کشور رشد و اعتلا پیدا کند، به هنرمند جوان مؤمن تکیه کنید. او می تواند از اسلام و از انقلاب و از این کشور دفاع کند. و الا آن کارگردان یا تهیه کننده ای که وقتی فیلم را می سازد، از پیش فکر می کند که «این نکته را در این فیلم خواهیم گنجانند، تا یکی از پایه های اعتقادی این نظام را هدف قرار دهیم» که از اسلام و انقلاب دفاع نمی کند! بازبان خاص فیلم و با همان شکلی که در فیلم امکان دارد، کار خودش را انجام می دهد. یعنی اکتفا نمی کند به این که به انقلاب کمک نکند. فیلم می سازد برای این که به انقلاب حمله کند! از اول که این فیلم را می سازد، یا این داستان را می نویسد، هدفش این است که کارایی نظام اسلامی را زیر

سؤال ببرد و بگوید: «این نظام اسلامی، کارایی ندارد.» از اولی که این مقاله را مینویسد یا این اثر هنری را تولید می‌کند، هدفش این است که نشان دهد این دولت کارایی ندارد؛ توان اداره ندارد. این، در حال خدمت به مصالح این کشور است یا در حال خیانت؟ به این می‌شود تکیه کرد؟! معلوم است که نمی‌شود تکیه کرد! ما البته تصمیم نگرفته‌ایم کسانی را که خیال کرده‌ایم خدمت نمی‌کنند یا خیانت می‌کنند، یکی یکی به قانون معرفی کنیم؛ نه، هنوز خیلی کارها در این کشور در زمینه فرهنگی وجود دارد که باید انجام گیرد. منظورم این است که در محیط‌های فرهنگی، به نیروهای مؤمن تکیه شود. اینها سدی در مقابل تهاجم فرهنگی هستند.<sup>(۱)</sup>

۱۰۳

## جهت‌گیربهای جناحی و خطی در خبر و تحلیل، خیانت است

این خبری که شما می‌خواهید بدهید و این تحلیل و تفسیری که می‌خواهید ارایه کنید، باید با آن زبانی تنظیم شود که فراغ و خذذهنی مردم ما را پُر کند. یعنی تا کسی پیچ رادیو را باز کرد، یک خط فکری از شما دریافت کند. این کار، چیز بسیار مثبت و خوبی است؛ منتها همیشه با هدف گسترده‌نگری مردم انجام شود. یعنی یادتان باشد که

---

۱- دیدار با جمعی از کارگزاران فرهنگی، ۱۳۷۱/۵/۲۱.

یکی از هدفهای ما این است که ذهن مردم باز باشد. البته سیاستهای ما، با سیاستهای جوامع سوسیالیستی گذشته، تفاوت دارد. آنها تمام اخبار و حوادث را کانالیزه میکردند و حتی دروغ به مردم تحویل می دادند. من شنیده بودم و بعد هم خودم دیدم که رادیوهای دایر بین مردم طوری بود که رادیوهای بیگانه را نمی گرفت؛ یعنی گیرنده ها را دستکاری می کردند که کسی نتواند جاهای دیگر را بگیرد!

ما این طوری فکر نمی کنیم. ما ما یلیم که مردم گسترده فکر کنند. با اطلاع از حوادث عالم است که مردم در مقابل بسیاری از بددلیها و توطئه های ذهنی و فکری واکنش می شوند. پس، این حرکتی که شما انجام می دهید، با توجه به اهداف جمهوری اسلامی انجام بدهید. یکی از آن اهداف، همین است که مردم ذهن پخته یی پیدا کنند و مهمتر این که قدرت تحلیل پیدا نمایند.

توصیه من به شما و همه کسانی که در کار سیاسی فعالیت می کنند، این است که همت کنید، تا مردم را دارای قدرت تحلیل بار بیاورید. اگر این کار شد، خیلی از کارها به خودی خود حل شده است. آن قضیه اولی هم که ایشان گفتند ما در خط و خطوط کار نمی کنیم، جدی بگیرد. یعنی واقعاً جامعه ما، انتخاب و گزینش خبر و فعالیت یک باند علیه یک باند دیگر را برنمیتابد. خدای نکرده، اگر آن چنان



گرایشهایی پیدا بشود، به نظام خیانت خواهد شد. خیلی مواظب باشید و با دقت و وسواس، در این جهت حرکت کنید.<sup>(۱)</sup>

**کم‌رنگ کردن و از یادها بردن دفاع مقدس، اگر دانسته باشد، خیانت است**

یاد حماسهٔ دفاع مقدس باید همیشه در کشور ما باقی بماند و جاودانه باشد. بعضیها خواستند، سعی هم کردند که یاد دوران دفاع مقدس و آن شجاعت‌های بزرگ و آن عظمتها را بتدریج کم‌رنگ کنند و از یادها ببرند. اینها اگر نادانسته این کار را می‌کنند، غفلت بزرگی دارند؛ اگر هم خدای نکرده دانسته است که خیانت است.

یاد دفاع مقدس، یاد شهیدان، باید همیشه در بین ملت ما و جامعهٔ ما زنده بماند. هنوز خیلی حرفها گفته نشده است. خیلی از خاطرات جوانان شما، فرزندان شما هنوز ثبت نشده. و همان مقداری که بیان شده، نشان دهندهٔ یک عظمتِ غیر قابل اندازه‌گیری با اذهان معمولی انسان است؛ با فکر و مغز مادی غیر قابل اندازه‌گیری است.<sup>(۲)</sup>

---

۱- دیدار با مسؤولان بخشهای خبری صدا و سیما، ۱۳۶۹/۱۲/۲۱.

۲- دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا، ۱۳۸۸/۳/۳.

## کوچک کردن نام شهدا و حرکت عظیم شهادت، خیانت است

جبهه‌های نبرد حق و باطل در ایران، به ظاهر جنگ با یک کشور همسایه و دفاع از سرزمینهای ایران بود؛ اما در باطن، دفاع از جبهه عدالت و حق در همه عالم بود. هر جای دنیا مظلومی وجود داشت، هر نقطه‌ای از عالم که گوینده‌ای حق را فریاد میکرد، جوان شما از او دفاع می‌کرد؛ برای او سینه سپر کرده بود و جان خود را در این راه داد. شما جوانان و فرزندان عزیز شهدا بدانید، این شهادتها و ایثارگریها و فداکاری پدران شما، خیل عظیمی از مردم را در دنیا با اسلام و ایمان و حقیقت آشنا کرد و آنها حق را شناختند. شهدای ما مظهر عقلانیت دینی و مدافع حقیقت و عدالت بودند. این یک افتخار بزرگ است.

بزرگترین خیانت به یک ملت این است که کسانی بخواهند با ابرهای تبلیغات، جلو خورشیدهای فروزانی که زندگی و تاریخ ملت را روشن می‌کنند، بگیرند. امروز هرکس که نام شهدا را کوچک بدارد و حرکت عظیم شهادت در کشور ما را - که به وسیله جوانان عزیز ما در آن دوران اتفاق افتاد - نادیده بگیرد و تحقیر کند، به تاریخ این ملت خیانت کرده است.<sup>(۱)</sup>

۱۰۶

## جدا کردن و به فراموشی سپردن گذشته پرافتخار ملت، خیانت است

در گذشته نباید متوقف ماند؛ همیشه گذشته پلکانی است برای پیشرفت ملتها به سمت آینده‌های روشن. همچنین گذشته‌ها را مطلقاً نباید از یاد برد؛ همیشه باید گذشته‌ها را زنده نگه داشت. یک عده از بدخواهان ملت ایران و اسلام سعی می‌کنند گذشته‌های پُرافتخار این ملت را به بوتۀ فراموشی بسپارند؛ سعی می‌کنند مردم را از گذشته پُرافتخار خودشان جداکنند؛ این خیانت است. گذشته ملت ایران را، چه دوران تاریخ ممتد پُرافتخار ما - بخصوص بعضی از نقطه‌های اوج آن - و چه گذشته ملت عزیز ایران در بیست و پنج شش سال اخیر که هر روز یک حادثه و یک حماسه و یک عظمت آفرینی است، مطلقاً نباید فراموش کرد؛ عرصه‌های دفاع مقدس را نباید فراموش کرد؛ پیروزیهایی را که جوانان شما در میدان‌های دشوار به دست آورده‌اند، نباید بگذارید فراموش شود؛ این پیروزیها بسیار بزرگ است؛ فقط پیروزی در یک جنگ و پیروزی بر یک دشمن متجاوز نیست؛ پیروزی بر دنیای استکبار قهار جبار جهانی است که وقتی می‌بیند در یک نقطۀ حساس دنیا مثل ایران، ملتی به پا خاسته و استقلال خود را در زیر سایۀ دین به دست آورده است، احساسات

می‌کند همهٔ محاسبات او غلط از آب درآمده؛ لذا با همهٔ وجود به میدان مبارزهٔ با این ملت می‌آید.<sup>(۱)</sup>

## نیروهای مسلح

عدم هماهنگی و دسته دسته بودن در نیروهای مسلح، خیانت است

ارتش مرزها را نگه دارد، تمام مرزها را مکلف است که با قدرت نگاه دارد. قوای انتظامی، وحدت کلمه پیدا کنند؛ هماهنگ باشند. پاسداران ما با قوای انتظامی دیگر هماهنگ باشند. اگر هماهنگ نباشید، خائنید.

امروز مخالفت خیانت است. امروز دسته دسته بودن خیانت است. اگر شما هماهنگ باشید، کشته نمی‌دهید؛ زود پیش می‌برید. و ان شاء الله به همین زودی این ریشه‌های فاسد کننده می‌شود و این خیانتکاران به سزای خودشان می‌رسند. خداوند همه شما را و همه ما را هدایت کند. خداوند خائنان را از صفحه روزگار بردارد.<sup>(۲)</sup>

۱۰۸

---

۱- دیدار با جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا، ۱۳۸۴/۳/۳.

۲- صحیفهٔ امام، ج ۹، ص ۳۴۶.

حیطه مسؤولیت امانت است و کوتاهی در آن خیانت است  
هر کدام از شما آقایان که مسؤولیتی دارید، حیطه زیر دستتان  
نزد شما امانت است؛ امانتی از جانب خداوند و ملت و نظام جمهوری  
اسلامی. فرماندهان عمده و آنها که مقامشان بالاتر است، امانتشان  
سنگین تر و مسؤولیتشان بزرگتر می باشد. هر کدام از شما - ولو  
فرمانده یک گروهان و یا یک قسمت کوچک باشید - امانتی دست  
شما سپرده است و حق ندارید این امانت را همین طور بیندازید و به  
امید تقدیر رها کنید و به کار و فکر دیگری بپردازید. خیر، اگر بعضی از  
فرماندهان در آن نقطه ای که مأموریت آنهاست، حضور پیدا نکنند یا  
مرتب حضور پیدا نکنند، خیانت کرده اند.

۱۰۹

اگر در جایی که به دست شما سپرده شده است، نمی توانید  
حضور پیدا کنید، مشخص کنید و بگویید تا نتوانستن شما را علاج  
کنند. باید به طور دایم و با دقت و مراقبت، آن جایی که هستید و در آن  
حیطه ای که دست شماست، حضور داشته باشید. اگر غیر از این  
باشد، در امانت خیانت شده است. خیال نکنید که خیانت چیز عجیب  
غریبی است. خیانت در امانت که شاخ و دم ندارد. هر نوع کوتاهی  
کردن در حراست از آن چیزی که در اختیار شماست، خیانت است و  
خیانت در امانت از هیچ کس پسندیده و پذیرفته و مقبول نیست. اگر  
فرمانده یک قرارگاه یا یگان عمده یا رئیس یک اداره مهم و یا رئیس

یک قسمت کوچک هستید، فرقی نمی‌کند. هرچه هستید، آن حیطة زیر امر شما که در اختیارتان است، در دست شما امانت است و باید آن را با کمال قدرت و دقت و وسواس و بدون اندکی سستی و قصور، حفظ کنید. اگر چنین کاری نکردید، به این کشور و ملت، ضرری وارد شده است.<sup>(۱)</sup>

## حزب، گروهها، سیاسیون و شخصیتها

۱۱۰  
هر حرکت و گفتار متزلزل‌کننده روح اتحاد مردم به قوا و کارگزاران، حرام شرعی و خیانت ملی است  
امروز دولت تازه نفس و کارآمدی که با مدیریت شخصیتی ممتاز و مورد اعتماد امام و امت، کمر به بازسازی کشور و ترمیم ویرانی‌های جنگ تحمیلی بسته، با سیاست‌ها و عملکردهای خود دشمنان خبیث را سراسیمه و غافلگیر کرده است. آنها که می‌خواهند ایران همیشه فقیر و محتاج و وابسته باشد از سیاست‌هایی که ایران را به سمت توسعه‌ی اقتصادی و خودکفائی و بی‌نیازی از دیگران حرکت می‌دهد به شدت بیمناک‌اند و با شیوه‌هایی بس پیچیده و توطئه‌آمیز با آن مخالفت می‌کنند. رمز موفقیت دولت و قوه قضائیه و مقننه

---

۱- بیانات در مراسم اعطای نشان فتح به فرماندهان ارتش و سپاه، ۱۳۶۸/۱۱/۱۵.

در پشتیبانی قاطبه ی ملت از آنها است. هر حرکت و گفتاری که روح اعتماد مردم به این قوا و کارگزاران آن را متزلزل و در پشتیبانی، اندک خللی وارد سازد، حرام شرعی و خیانت ملی است.<sup>(۱)</sup>

## حمله و متهم کردن مسؤولان و جدا کردن مردم از آنها، خیانت است

نبايد دولت و مسؤولان ديگر را تنها گذاشت. امروز براي دشمنان اساسی انقلاب و جمهوری اسلامی، انگیزه‌هایی وجود دارد که طبق آن انگیزه‌ها باید بین مسؤولان کشور و مردم، فاصله ایجاد کنند و آن محبتی را که همیشه بین مسؤولان و مردم بوده است، بتدریج به سردی بدل کنند. نباید گذاشت چنین چیزی اتفاق بیفتد. حمله کردن به مسؤولان، متهم کردن مسؤولان، قضاوت خلاف واقع نسبت به مسؤولان، دل چرکین کردن مردم نسبت به مسؤولان، امروز خیانت است و قطعاً خلاف وظیفه می‌باشد.

دولت و رئیس جمهور، بیش از دیگر مسؤولان، به این حمایت و کمک و وصل قلبی و عاطفی با مردم احتیاج دارند. مسؤولان قضایی

---

۱- پیام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم ایران درباره حفظ وحدت و یکپارچگی، حمایت از دولت، جایگاه مجلس شورای اسلامی و دفاع از اصل ولایت

کشور هم، همین‌طورند. مجلس شورای اسلامی هم - که مرکز قانونگذاری و منتخب مردم و محل امید آنان است - همین‌طور می‌باشد. نباید مردم از مجلس و قوه قضاییه ناامید بشوند و انتقاد و اعتراض نباید به حدی برسد که چهره اینها در چشم مردم، چهره مخدوشی بشود. بنابراین، نکته دوم، در پشتیبانی عمومی و حفظ علقه و وصل و ربط بین مردم و مسؤولان - که تاکنون بحمدالله بوده و بعد از این هم باید باشد - خلاصه می‌شود. این، تکلیف و وظیفه است. خلاف آن، خلاف وظیفه می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

### ایجاد اختلاف بین مردم و مسؤولان، خیانت است

بعضیها تلاش می‌کنند که بین مردم اختلاف بیندازند؛ بعضیها هم تلاش می‌کنند که مردم را نسبت به مسؤولان و نظام بدبین کنند. اینها بدانند که این کار خیانت است و من ادامه این‌گونه کارها را تحمل نخواهم کرد. مهلتی برای تنبه داده می‌شود، شاید به خود بیایند؛ و الا آن دستی که امروز در صدد باشد که از هر وسیله‌ی و از هر نوع تبلیغات دروغ و کارهای خلافی استفاده کند، برای این‌که بین مردم اختلاف بیندازد، یا بین مردم و مسؤولان کشور - این خدمتگزارانی که جان و وجودشان در خدمت نظام اسلامی است - و این

۱- دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۶۹/۱۲/۱.



رئیس جمهور مغتنمی که ما امروز داریم، جدایی بیندازد، مجرم و خیانتکار است. این، کار کوچکی نیست.

شما هم همین طور بین خودتان، اصناف را به اختلافات و باندبازی و گروه‌بازی و سیاسی‌کاری نکشانید. همه باید در خدمت سیاستهای جمهوری اسلامی باشند. همه اصناف باید اهل سیاست باشند؛ اما نگذارید که این دودستگیهای ناشی از دسته‌بندی سیاسی، در بین اصناف راه پیدا کند. یک جامعه متحد و متفق و یکپارچه و در خدمت هدفهای اسلامی و نظام اسلامی باشید؛ بخصوص شما انجمنهای اسلامی، نسبت به آن چیزی که در نکته دوم عرض کردم، مراقب و مواظب باشید. این، یک تکلیف و وظیفه است.<sup>(۱)</sup>

۱۱۳

**پاشیدن بذر تردید نسبت به مسؤولان و یأس آور نشان دادن افق، خیانت است**

اگر کسانی با گفتن و نوشتن یا رفتار متعمدانه خود، بذر شک و تردید نسبت به مسؤولان بلندپایه کشور را در دلها بیفشانند و فضا و افق را تیره و یأس آور جلوه دهند، با هیچ توجیه و بیانی نمی‌توان آنها را خدمتگزار و خیرخواه به حساب آورد. این کار در کشور ما که از

نظامی اسلامی و انقلابی، و مسؤولانی کاملاً مردمی، و ملتی با اخلاص و فداکار، و صمیمیتی بی نظیر میان مردم و مسؤولان، و استعداد و ظرفیتی درخشان برای کار و پیشرفت، و حیثیتی برجسته در جهان و میان ملت‌های عالم برخوردار است، بی شک ضربه به آینده کشور و خیانت به آرمان‌های انقلاب محسوب می‌شود و گناهی نابخشودنی است.

این جانب، به پیروی از راه و روش همیشگی امام عظیم‌الشأن راحل، دفاع از همه نهادهای قانونی کشور را وظیفه عاجل خود دانسته، پشتیبانی از دولت و مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه و دیگر دستگاه‌های قانونی را بر خود واجب می‌دانم و هیچ‌گونه برخورد خصمانه و تضعیف‌آمیز نسبت به مسؤولان صدیق و دلسوز کشور را تحمل نخواهم کرد.<sup>(۱)</sup>

**برانگیختن اختلاف میان مسلمانان و اهانت به مقدسات و تکفیر مذاهب، خیانت است**

تقویت روح اخوت و همدلی درس بزرگ حج است. در این جا حتی جدال و درشت‌گویی با دیگران ممنوع است. پوشش یکسان و اعمال یکسان و حرکات یکسان و رفتار مهربان در اینجا به معنی

۱- پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۰/۳/۱۳.

برابری و برادری همه آن کسانی است که به این کانون توحید معتقد و دلبسته اند. این پاسخ صریح اسلام به هر آن فکر و عقیده و دعوتی است که گروهی از مسلمانان و معتقدان به کعبه و توحید را از دائره اسلام بیرون بداند. عناصر تکفیری که امروز باز چه صهیونیست‌های غدار و حامیان غربی آنان شده و دست به جنایت‌های سهمگین می‌زنند و خون مسلمانان و بی‌گناهان را می‌ریزند و کسانی از مدعیان دینداری و ملبسین به لباس روحانیت که در آتش اختلافات شیعه و سنی و امثال آن می‌دمند، بدانند که نفس مراسم حج، باطل‌کننده مدعای آنان است.

۱۱۵

این جانب همچون بسیاری از علمای اسلام و دلسوزان امت اسلامی بار دیگر اعلام می‌کنم که هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلافات میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدسات هر یک از گروه‌های مسلمان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی، خدمت به اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام، و حرام شرعی است.<sup>(۱)</sup>

**این حرف اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است!**  
ببینید؛ یک نظامی در عالم وجود دارد: نظام استکبار، نظام زورگویی، نظام ظلم؛ البته از قدیم هم همین نظامها بوده است، منتها

---

۱- پیام به کنگره عظیم حج، ۱۹/۷/۱۳۹۲.

امروز مدرن شده است، با تجهیزات نو مجهّز شده. قدرتهای برتر به ملّتها زور می‌گویند؛ [این] زور گفتن هم حد و اندازه‌ای ندارد؛ اگر اموالی دارند، می‌گیرند؛ اگر نیروی انسانی قابلی دارند، از آنها می‌دزدند؛ اگر استعدادی در آنها هست که آنها را تهدید می‌کند و رقیب برای آنها می‌تراشد، آن استعداد را خفه می‌کنند؛ زورگویی انواع و اقسامی دارد. امروز این زورگویی در دنیا وجود دارد؛ نظام بین‌الملل جهانی که اسمش را گذاشته‌اند جامعه‌ی جهانی، یعنی نظام زورگویی؛ و الاّ مراد از جامعه‌ی جهانی، دولتها و ملّتهای دنیا که نیستند؛ دولتها و ملّتهای دنیا بیزارند از شکل این چند قدرت برتر دنیا که خودشان را می‌گویند جامعه‌ی جهانی. جامعه‌ی جهانی یعنی همین: افرادی که مبنای کارشان زورگویی به همه‌ی ملّتها و همه‌ی کشورها و همه‌ی اینها است. و ماکه در جمهوری اسلامی هستیم، هم قبل از نظام جمهوری اسلامی در دوران رژیم طاغوت، نمونه‌هایش را یک جور دیده‌ایم، هم بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی نمونه‌هایش را یک جور دیگر دیده‌ایم؛ یک نظامی امروز در دنیا به این شکل وجود دارد. این نظام ناراضی هم زیاد دارد؛ خیلی از ملّتها ناراضی‌اند؛ منتها از ملّتها که کاری بر نمی‌آید؛ صدای ملّتها را کسی نمی‌شنود؛ نه رسانه به آن صورت در اختیارشان است، نه اصلاً [حرف آنها] جایی حساب میشود؛ حالا گیرم مثلاً ده هزار نفر هم در یک

واحد الکترونیکی مثلاً رسانه‌های الکترونیک و مانند اینها با هم جمع شدند و یک حرفی زدند، یا جمع شدند در خیابانها راه رفتند؛ حالاکه چه؟ در قضیه‌ی حمله‌ی آمریکا به عراق در [کمتر از] پانزده شانزده سال قبل از این در همه‌ی این خیابانهای پاریس و بعضی کشورهای اروپایی دیگر، راه‌پیمایی راه افتاد در مخالفت با آمریکا؛ چه اثری کرد؟ ملت‌ها به خودی خود که کاری نمیتوانند انجام بدهند؛ دولت‌ها هستند که اگر چنانچه پشتیبانی ملت‌هایشان را داشته باشند، می‌توانند حرفی بزنند و این حرف در دنیا مطرح بشود؛ چنین دولتی هم در دنیا نیست؛ دولت‌هایی هستند [ولی] می‌ترسند؛ ناراضی‌اند [ولی] می‌ترسند. من به‌نظرم در صحبت اول سال<sup>(۱)</sup> این را گفتم که رؤسای رژیم طاغوت هم خیلی اوقات از کارهای آمریکا ناراضی بودند. در خاطرات این بازماندگان‌شان که آدم نگاه می‌کند، می‌بیند یک جاهایی خیلی هم ناراضی‌اند و در خلوت بدگویی هم می‌کنند به آنها اما جرئت نمی‌کنند مخالفت کنند؛ به عنوان دولت، به عنوان واحد سیاسی و مدیریت جامعه جرئت نمی‌کنند. امروز در دنیا این جور است؛ خیلی‌ها ناراضی‌اند اما جرأت نمی‌کنند مخالفت کنند.

یک نظامی در دنیا، در این بلیشو، در این جنگل به هم ریخته به هم آمیخته و ظلم و زور، به وجود آمده است که یک پایه‌هایی دارد که این

۱- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس، ۱۳۹۵/۱/۱.

پایه‌ها درست نقطهٔ مقابل آن چیزی است که امروز نظام جهانی بر آن استوار است؛ نقطهٔ مقابلِ ظلم است، نقطهٔ مقابلِ استثمار است، نقطهٔ مقابلِ جنگ‌طلبی است، نقطهٔ مقابلِ فساد است؛ آن نظام، نظام جمهوری اسلامی است. این نظام براساس اسلام، براساس دین، براساس تفکرات اسلامی ناب به وجود آمده و یک جماعتی هم از اوّل در رأس این نظام قرار گرفتند که طبیعت اینها این است که از قدرتهای بزرگ نمی‌ترسند و آن روحانیونند. این را خود تحلیل‌گرها و جامعه‌شناس‌های غربی، امروز می‌گویند؛ از اوّل انقلاب هم می‌گفتند؛ می‌گفتند این آخوندها نمی‌ترسند از ما. [البته] بعضی‌هایشان ممکن است وابسته هم باشند و هستند، اما طبیعت نظام آخوندی در جامعه‌ی شیعه، یک چنین طبیعتی است. حالا اتفاقاً اینها در رأس این نظام قرار گرفته‌اند. مردم هم که همراهی می‌کنند. مردم هم اوّل مردم با استعدادی‌اند، ثانیاً جوان در بین اینها زیاد است - جمعیت ما از ۳۵ میلیون در اوّل انقلاب، حالا تقریباً رسیده به ۸۰ میلیون؛ یعنی جمعیت ناگهان افزایش پیدا کرده است؛ اگرچه علیه آن [هم] دارند کار می‌کنند - استعداد زیاد است؛ شجاع هم هستند، نترس هم هستند. خب، وقتی که یک کشوری است که مردم این‌جوری فکر می‌کنند، سردمداران حکومت هم نمی‌ترسند از هیمنه‌ی<sup>(۱)</sup> جهانی،

این برای استکبار یک خطر عمده است، یک خطر کاملاً بزرگ است. لذا جبهه علیه آن تشکیل میشود؛ کما اینکه الان علیه جمهوری اسلامی جبهه تشکیل شده؛ نه حالا [بلکه] از روز اول انقلاب جبهه تشکیل شده؛ یک جبهه‌ی دشمن به وجود آمده. آن روز شوروی بود و آمریکا که نقطه‌ی مقابل هم بودند و [اگر] در صد مسئله - با کم و زیادش - با هم اختلاف داشتند اما در مسئله جمهوری اسلامی و مخالفت با جمهوری اسلامی، همفکر و همدست بودند. یعنی طبیعت استکبار این است که با یک چنین نظامی دشمنی می‌کند.

۱۱۹

[پس] یک جبهه تشکیل دادند که این جبهه امروز هم وجود دارد و از انواع و اقسام شیوه‌ها هم دارد استفاده می‌کند؛ همچنان که فرض کنید بیست سال پیش اینترنت نبود، امروز هست؛ ابزارها روز به روز دارد پیشرفته می‌شود. از بیشترین ابزارها و وسیع‌ترین و سریع‌ترین ابزارها علیه جمهوری اسلامی دارند استفاده می‌کنند؛ جمهوری اسلامی [هم] باید خودش را آماده کند از همه‌ی ابزارها استفاده کند. [دشمن] از ابزار دیپلماسی استفاده می‌کند. دیپلماسی، گفتگوی سیاسی، مذاکره‌ی سیاسی، بده‌بستان سیاسی یکی از ابزارها است؛ اینها از آن ابزار استفاده می‌کنند. بنده هم با گفتگوی سیاسی مخالف نیستم؛ البته نه با همه - استثناء دارد - بنده در سطح مسائل جهانی، با گفتگوی سیاسی موافقم؛ من در این زمینه‌ها از زمان ریاست

جمهوری حرف داشتیم و دنبال گیری میکردم؛ این جور وانمود نکنند که کأنه ما اصلاً با گفتگو کردن و مانند آن مخالفتیم؛ نخیر، ما، هم بیشتر از اینها موافقیم، هم در یک جاهایی بیشتر از اینها بلدیم این کارها را؛ می دانیم هم که چه جوری باید عمل کرد. دشمن از گفتگوی سیاسی هم استفاده می کند. باید مراقب بود.

پس، از مذاکره استفاده می کند، از مبادلات اقتصادی استفاده می کند، از تحریم اقتصادی استفاده می کند، از تهدید به جنگ و سلاح استفاده می کند؛ در مقابل همه اینها بایستی نیروی دفاعی داشت.

۱۲۰

اینکه بعضی ها بیایند بگویند «فردای دنیا، فردای مذاکره است، فردای موشک نیست»، این حرف اگر از روی ناآگاهی گفته شده باشد، خب ناآگاهی است، اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است. چطور [چنین چیزی] ممکن است؟ اگر چنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فناوری برود، دنبال مذاکره ی سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود - که همه اینها لازم است - اما قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هر بی سربو پایبی و [هر] دولت فزرتی<sup>(۱)</sup> کذائی ای او را تهدید می کند



که اگر فلان کار را نکردید، ما موشک می‌زنیم؛ خب اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب‌نشینی کنید.

قدرتهای دنیا که شما می‌بینید با صدای کلفت حرف می‌زنند، زور می‌گویند، غلط می‌کنند، حرفهای بد می‌زنند و زورگویی می‌کنند، بیشتر از همه به استناد همان سلاحهایی است که دارند؛ آن وقت ما در مقابل اینها بیاییم دست خودمان را خالی کنیم؟ سپاه که پیشرفتهای موشکی خودش را نشان میدهد، نه فقط مایه افتخار و مباهات ایرانی‌ها [است، بلکه] وقتی این موشکهای سپاه با این دقت و با این زیبایی آزمایش می‌شود، خیلی از ملت‌های آزادی‌خواه دُور و رَبر ما که دلشان از آمریکا و از رژیم صهیونیستی خون است، خوشحال می‌شوند. وقتی اینها انجام می‌گیرد، ما بیاییم اینها را بگوییم و بگوییم آقا! امروز دیگر روز موشک گذشته! نه، روز موشک نگذشته. دشمن دائم در حال به‌روز کردن خود و آماده کردن خود است، [بعد] ما اینجا ساده‌لوحانه خودمان را عقب بکشیم و بگوییم نه. مثل اول انقلاب که همین اف‌چهارده‌های ما را می‌خواستند بفروشنند و می‌خواستند پس بدهند و بنده نگذاشتم. من خبر شدم که یکی از رجال دولت موقت آن روز گفته است این اف‌چهارده‌هایی که رژیم طاغوت خریده به درد ما نمی‌خورد، می‌خواهیم چه کار کنیم این اف‌چهارده‌ها را!

پس بدهیم بهشان. آنجا خب ما ایستادیم، هیاهو کردیم، مصاحبه کردیم و مقابله کردیم، جرئت نکردند این کار را بکنند؛ می خواستند پس بدهند. چند صباح بعدش، جنگ ایران و عراق پیشامد کرد و حمله کردند به ما و معلوم شد که ما چقدر احتیاج داریم به همین وسایلی که داریم؛ همین اف چهارده و همین اف چهار و امثال اینها. امروز هم بعضی ها همین آهنگ را پیش گرفته اند که موشک چیست، موشک می خواهیم چه کار کنیم، روزگار روزگار موشک نیست! پس روزگار چیست آقا؟

۱۲۲

[امروز] روزگار همه چیز است. روزگار مذاکره هم هست؛ باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد سرمان کلاه نرود. اینکه ما مذاکره بکنیم، روی کاغذ بیاوریم، بنویسیم، امضا کنیم، بعد آنها هم به حسب ظاهر یک کاری انجام بدهند منتها تحریمها بر طرف نشود و تجارت راه نیفتد، پیدا است که یک اشکالی در آنجا هست؛ نباید بگذاریم این اشکالات به وجود بیاید و در آنجا هم باید خودمان را قوی کنیم. در اقتصاد درون کشور هم همین جور؛ ما گفتیم اقدام و عمل<sup>(۱)</sup>. گفتن بس است؛ «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». وقتی زیاد هم تکرار کردیم و مدام گفتیم اقتصاد مقاومتی، از دهن هم

---

۱- اشاره به شعار سال ۱۳۹۵: «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل».

می‌افتد؛ یعنی تکراری که شد، یک چیز کسالت‌باری هم می‌شود؛ عمل کنیم. غرض این است که کشور احتیاج دارد.<sup>(۱)</sup>

صفحه اجتماعی آقای هاشمی رفسنجانی مطلبی را منتشر کرد با این عنوان که «دنیای فردا، دنیای گفتمان ماست نه موشک‌ها».



- ۱ - نفی دستاوردهای انقلاب اسلامی
- ۲ - طرح موضوعات مورد نظر آمریکائیا و صهیونیستها
- ۳ - تضعیف ملت و خدمتگذاران ملت
- ۴ - دین را در خدمت دنیای مستکبران قرار دادن
- ۵ - بی توجهی به فرهنگ آزادی و استفاده غلط از آن
- ۶ - گرفتن امتناع و نه مردم در مقابل سلطه‌گران
- ۷ - مسلط کردن آمریکا بر کشور ولو تحت عنوان آزادیخواهی
- ۸ - بکار گرفتن قلم و زبان در ضدیت با احکام اسلام
- ۹ - تبلیغ و ترویج اسلام منهای روحانیت
- ۱۰ - عدول از ارزشهای اسلامی و انقلابی تحت عنوان عقل‌گرایی
- ۱۱ - تجدید نظر طلبیهای سیاسی و مصلحی ناشی از تطمیع دشمنان
- ۱۲ - القاء این که اسلام قابل اجرا نیست



## نمایی از حوزه خیانت در

علماء و روحانیون

عدم مراقبت از خود و اعمال خود  
عدم انطباق اعمال با اسلام  
سستی در تحصیل و تقویت فکارت  
سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک  
دست دلت و سازش به دشمنان دراز کردن  
شکستن همه گامه‌های صبر و مقاومت  
فراموش کردن خیانت لبرالها و ملی‌گراها  
خلاف مصالح جمهوری اسلامی عمل کردن  
کوتاهی در حفظ امانت اسلام  
سست و مردد کردن مردم نسبت به نظام اسلامی  
شکستن وحدت شیعه و سنی  
توجه ندادن مردم به نقشه‌های وهابیت در ایجاد اختلاف بین مسلمانان

نیروی مسلح

عدم هماهنگی و دسته دسته بودن  
کوتاهی در حفظ حیطه مسؤلیت و امانت  
ورود به احزاب و بازیهای سیاسی

مردم

اختلاف و تفرقه تحت هر عنوان  
بدبینی نسبت به مسؤولین و تضعیف آنان  
خداشه دار کردن محبت به اهل بیت (ع) به هر شکل

آموزش و پرورش و دانشگاهها

مسامحه و سهل انگاری در تعلیم و تربیت  
تربیت ناصحیح بچه‌ها و جوانان  
تربیت غیر اسلامی و غیر انسانی فرزندان  
جولانگاه احزاب و گروههای سیاسی کردن مراکز آموزشی  
وجود اساتید و معلمان منحرف وابسته